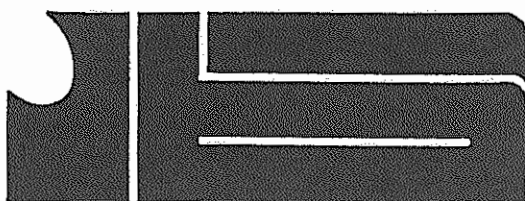


برقراری آتش بس، آزادی زندانیان و اسرا، آزادی احزاب و مطبوعات و برگزاری انتخابات محورهای توافق طرفین است

در صفحه ۱۲



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۷۳ - ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ - دوره سوم - شماره ۹۳

KAR, No.93 Wednesday 28 Sep 1994

کوشش‌های میانجیگرانه چند ماه اخیر نماینده سازمان ملل و برخی از فرماندهان مجاهدین برای برقراری صلح شکست خورد

در صفحه ۱۱

زنگ مدارس به صدا در آمد

بیش از ۱۸ میلیون دانش آموز نوزد یک به یک میلیون آموزگار سال تحصیلی جدید را آغاز کردند

خواهد یافت، آموزگاران جدید به کار دعوت خواهند شد، کتابهای درسی به موقع توزیع خواهند شد و ... به گفته وزیر آموزش و پرورش، امسال ۱۷۳ میلیون جلد کتاب درسی آماده شده که ۷۵ درصد آن به بازار عرضه شده و بقیه نیز بزودی توزیع خواهند شد. علیرغم آنکه دولت ۷۰



ادامه در صفحه ۲

روز شنبه ۲۶ شهریورماه ساعت ۸ صبح، زنگ مدارس در بیش از یکصد هزار واحد آموزشی در سراسر کشور به صدا درآمد و ۱۸ میلیون و پانصد هزار دانش آموز، همراه با ۹۰۰ هزار آموزگار، سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. پیش از آن در روز پنجشنبه ۲۴ شهریورماه، بیش از یک میلیون کودک نخستین روز مدرسه را آغاز کرده بودند. آغاز سال تحصیلی جدید چهره شهرهای ایران را چون هر سال دگرگون کرد. حضور میلیونها دانش آموز دختر و پسر با چهره‌های خندان و شاد - بسیاری با شاخه‌های گل در دست - به فضای شهرها و خیابانها جلوه تازه‌ای بخشید. آغاز سال تحصیلی در تهران، بیش از همه جا محسوس بود. در پایتخت، ۱/۵ میلیون دانش آموز با شروع سال تحصیلی جدید به مدرسه رفتند.

همراه با شروع سال تحصیلی ۷۳ - ۷۲، بازهم شعارهای آتشین و وعده‌های بی پایان، انبوه دشواریهای نظام آموزشی کشور را مرقمات تحت تاثیر قرار داد. وعده دادند که مدارس بسیار ساخته خواهد شد، فضای آموزشی گسترش

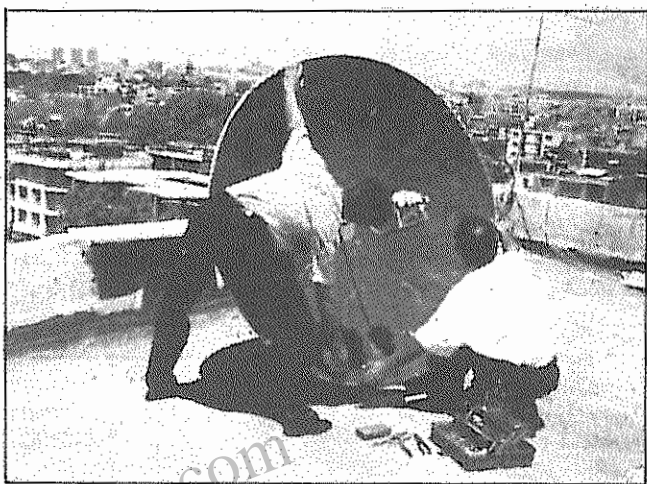
با تصویب مجلس شورای اسلامی آتن‌های ماهواره‌های ممنوع شد

- امامی کاشانی: ماهواره مهم‌ترین ابزار دشمن علیه اسلام است
- چهار پنجم نمایندگان به ممنوعیت آتن‌ها رای دادند
- مردم صدها هزار آتن بشقابی بر بام خانه‌های خود دارند

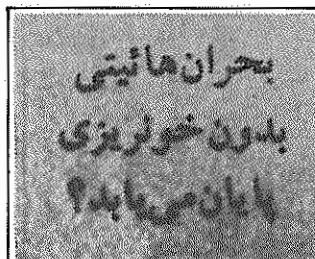
مذکور پس از بررسی و تصویب جزئیات در شور و دغدغه برای تأیید به او واگذار خواهد شد، مشکلی برای هم مسلکان متحجرش فراهم آورد. طرح نام برده در دو جلسه علنی در روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور (۱۹ و ۲۰ سپتامبر) مورد بررسی قرار گرفت. پیش از شروع سخنان موافقان و مخالفان طرح، زادسر مخبر کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی در دفاع از طرح به توضیح "خطراتی" پرداخت که از جانب ماهواره ملت و دین و مذهب و هویت فرهنگی حکومت اسلامی را تهدید می‌کند. وی گفت ماهواره خلق و خوری ذلت‌پذیری را در جوامع القا می‌کند. زادسر گفت نمایندگان نه با ماهواره که با ابزار اصلی آن که هدفش ایجاد انحراف در جوامع بشری است، مخالفند. او در سخنانش بر فتوای اراکی مبنی بر حرام بودن برنامه‌های ماهواره‌ای تأکید کرد.

موافقان طرح ممنوعیت استفاده از آتن‌های بشقابی، عمدتاً برنامه‌های ماهواره‌ای را مورد حمله قرار دادند و گفتند ماهواره در اصل ادامه در صفحه ۳

به کارگیری تجهیزات ماهواره را به تصویر رساند. اکنون این تنها شورای نگهبان است که می‌تواند از اجرای این طرح جلوگیری کند و به نظر نمی‌رسد شورای نگهبان که طرح سرانجام و پس از کش و قوس‌های بسیار روز سه شنبه ۲۹ شهریورماه (۲۰ سپتامبر) مجلس شورای اسلامی با بیش از ۸۰ درصد آرای خود در شورای اول طرح ممنوعیت



تهران. بی‌اعتنا به هیاهو به کار خود مشغولند.



روز دوشنبه ۲۸ شهریور، آمریکا پیاده کردن نیرو در هائیتی را آغاز کرد. برای این عملیات، که تا هنگام تنظیم این گزارش، بدون خونریزی پیش رفته، سه هدف اعلام شده است: برقراری نظم در هائیتی، تضمین اجرای تعهد حکومت نظامی ژنرال سدراس مینی بر کناره‌گیری از قدرت تا حداکثر ۲۳ مهرماه، و تدارک بازگشت زان برتران آریستید رئیس جمهور منتخب هائیتی به این جزیره دریای کارائیب. اشغال بدون درگیری هائیتی توسط آمریکا، نتیجه توافقی یک هیأت دیپلماتیک ایالات متحده به سرپرستی جیمی کارتر رئیس جمهور سابق این کشور با نظامیان حاکم در هائیتی است. در حالی که مذاکرات هیأت کارتر در پورت اوپرنس پایتخت هائیتی در آستانه شکست قرار گرفته بود، به دستور کلینتون رئیس جمهور آمریکا هواپیماهای

ادامه در صفحه ۱۲

گزارشی تازه از خیزش مردم در قزوین

۴۸ نفر از تظاهرکنندگان در جریان تیراندازی نیروهای انتظامی کشته شدند

در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۲ و ۱۳ مرداد شهر قزوین شاهد سلسله اعتراضات و تظاهرات بود که از نظر وسعت و کثرت شرکت مردم در آن کم نظیر بود. گزارش تازه‌ای از این تظاهرات توسط یک شاهد عینی به "کار" رسیده است که در زیر می‌خوانید.

برای گذراندن تعطیلات عازم شمال کشور بودیم و به این منظور از طریق اتوبان قزوین عازم شدیم. نزدیک‌های قزوین جاده کاملاً بسته بود و عبور و مرور متوقف شده بود. با پرس و جو از رانندگان اتوبان رادورزده، از راه دیگری به مسیر خود ادامه دهیم، از جمله از راه جاده‌ی ساوه و غیره، ولی ما به هر ترتیبی که بود از خاکی کنار جاده رد شدیم و خود را از بیراهه به ورودی شهر رساندیم. در ورودی شهر اطلاعاتمان کامل تر شد و فهمیدیم که مجلس شورای اسلامی طرح استان شدن قزوین را رد کرده است. بوی لاستیک آتش گرفته و دود آن تمام سطح شهر را گرفته بود. همه‌ی خیابانهای شهر با سنگهای

ادامه در صفحه ۳

عادل‌رئیس کل بانک مرکزی استعفاداد

خواهیم داشت تا بستر قابل انکار برای مردم باشد.

در کنار جابجایی در تصدی بانک مرکزی، خیر استعفای دکتر طیبیان از معاونت سازمان برنامه و بودجه نیز در رسانه‌های گروهی انتشار یافت. دکتر طیبیان جزو طراحان و تدوین کنندگان اصلی برنامه‌های ۵ ساله اول و دوم دولت رفسنجانی بود. دلایل این استعفا رسماً اعلام نشده است. شکست‌های بی‌درسی دولت رفسنجانی در سیاستهای اقتصادی و ارزی و کوشش وی برای تخفیف ناراضی‌هایی در عین نشان دادن حفظ وفاداری دولت به سیاست تعدیل اقتصادی انگیزه‌ها و دلایل این جابجایی‌هاست.

ادامه در صفحه ۲

- نوریخس وزیر سابق اقتصاد و دارایی جای او را گرفت
- طیبیان معاون سازمان برنامه و بودجه نیز استعفاداد

محمد حسین عادل‌رئیس کل بانک مرکزی که به مدت ۵ سال ریاست کل بانک مرکزی را بر عهده داشت، هفته گذشته از مقام خود کناره گرفت و محسن نوریخس به جای او تصدی بانک مرکزی را به عهده گرفت. محسن نوریخس در زمان دولت میرحسین موسوی سالها ریاست بانک مرکزی را به عهده داشت. ماهها بود که شایعه استعفای عادل‌رئیس بر سر زبانها بود و این شایعات بعضاً به روزنامه‌های تهران نیز راه یافت. اما هر بار از سوی عادل‌رئیس تکذیب می‌شد. عادل‌رئیس طی یکسال و نیم اخیر در کانون سیاستها و اقداماتی قرار داشت که دولت

ادعای مجدد "شورای همکاری خلیج" بر جزایر سه گانه

است و ادعای نماینده پارلمانی این کشور در این اجلاس کاملاً بی اساس است. در عین حال سفیر آمریکا در کویت از ادعای بی اساس امارات متحده در مورد سه جزیره پشتیبانی کرد. ناطق نوری رئیس مجلس به این موضع پاسخ داد. او سخنان سفیر آمریکا را تمسخر آمیز و دخالت آمریکا را بی جا خواند و گفت که جمهوری اسلامی با تمام قدرت و تا آخرین نفر ایستاده و از هیچ تهدیدی نمی‌هراسد.

آدرس پستی و حساب بانکی جدید "کار" ادامه در صفحه ۲

حمایتی غم انگیز

یکی از روحانیان بنام زمانی که قبل از انقلاب در زندان بود برای آنکه صدای حرام موسیقی را که از بلندگو پخش می‌شد نشنود پتیه در گوش می‌گذاشت و یا چشمش را بست و پتیه را به دیدار بستگان می‌آورد که مبادا چشمش در آسوی میله‌ها بر سیمای نامحرم بیفتد. سرانجام هفته گذشته مجلس شورای اسلامی رای داد که آتن‌های ماهواره‌ای ممنوع است و نیروهای انتظامی باید آنها را از خانه‌های مردم جمع کنند و تولید کنندگان و فروشندگان آن را تحت پیگرد قرار دهند.

این حمایتی غم انگیز است. تصور رای دهندگان ظاهراً این بوده است که بدین وسیله گویا قادر خواهند شد راه چشم و گوش مردم را ببندند تا صدای وسوسه‌ناگوار نامحرم را نشنوند و نیبندند. رای مجلس شورای اسلامی به وسعت در تمام محافل مورد بحث قرار گرفته و همگان را به واکنش واداشته است. این تصمیم بیش از هر رای دیگری ذات و ماهیت دیدگاه حاکم بر مجلس چهارم را برملا می‌کند. تفکری که نه می‌فهمد در دنیا چه می‌گذرد و فردا وسیله‌ی کوچکتی امواج را در خانه به صدا و سیما بدل می‌کند و نه می‌فهمد بی‌آنها ای اجتماعی و سیاسی این تصمیم چیست.

هم اکنون صدها هزار آتن ماهواره‌ای در ایران بر بام خانه‌ها روئیده است و مجلس می‌گوید به زور خانه‌ی هر کس را برای یافتن آتن جستجو کنند و آن را برچینند. ناراضی‌ترین مردم هم اکنون در حدی است که بدون این کار هم عوامل ریشوی حکومتی جرات گشت زدن به تنهایی در کوچه‌ها و خیابانها را ندارند، چه رسد به اینکه بخواهند به خانه‌ها بریزند. مجلسیان مطمئن باشند که مردم به حق در برابر این تصمیم خواهند ایستاد. مردم در این عرصه بسیار بسیار متحد عمل خواهند کرد. بیهوده نیست که حتی برخی از محافل دولتی هم نه تنها از حمایت از آن خودداری می‌کنند، بلکه علناً خطرات ناشی از اجرای آن را گوشزد میکنند.

حمایت غم انگیز تنها این نیست که ندیده‌اند مقاومت متحد همگانی در موضع انفجاری کنونی جانی برای اجرای رای مجلس باقی نخواهد گذاشت. رای دهندگان به این لایحه ندیده‌اند و نمی‌خواهند ببینند گیریم که با تهدید هم وارد خانه‌ها شوند و آتن‌ها را از بام‌ها به زیر کشند، تردیدی نیست که دوسالی طول نخواهد کشید که امواج ماهواره - این بار حتی بدون دیش - از راه دیگر وارد خانه‌ها خواهد شد. اکنون سؤال از این مجلسیان اینست که آنگاه چه خواهید کرد؟ اگر همین فکر مصمم باشد که به هر قیمت که شده جلوی استفاده مردم از ماهواره را بگیرد کارش لا جرم به آنجا خواهد کشید که همه ایرانیان را ملزم کند که دوپتیه در گوش و یک چشم بند بر چشم‌ها بگذارند. صحنه‌ای که تجسم آن به همان اندازه مضحک است که

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

حکایت همچنان باقی است

پس از ماهها شایعه درباره استعفای محمد حسین عادل، بالاخره هفته گذشته وی از تصدی بانک مرکزی کنار گذاشته شد...

تردیدی در این نیست که دولت و فسنجان بی‌رغم شکست سیاست تعدیل اقتصادی و روشن تر از همه، شکست سیاست ارزی اش...

به این ترتیب دولت تنها دست به تغییر صورت و ظاهر زده و اصل حکایت همچنان باقی است. همین خود یک نشانه آشکار در مانده بودن...

مقابله با فشار علیه کوبا و بنیاد گرای در الجزایر

نودمین جشن "اومانیته"

دومین آخر هفته سپتامبر سال زمان برگزاری جشن اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه است...

موضوع سیاسی اصلی جشن امسال ارگان حزب کمونیست فرانسه در بخش داخلی عبارت بود از مقابله با خصوصی کردن صنایع عظیم اتومبیل سازی رنو که...

از احزاب ایرانی و خارجی دیدار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کردستان ارگان حزب دموکرات کردستان ایران و نامه مردم ارگان حزب توده ایران نیز در جشن اومانیته شرکت داشتند.

زنگ مدارس ...

ادامه از صفحه ۱

میلیاردهای سوبسید بابت کتابهای درسی برداشته، اما قیمت ها بازم گران شده و امتحان متوسط قیمت هر کتاب به ۴۵۰ ریال رسیده است...

۱۴ سال پس از آغاز جنگ



صدها هزار خانواده جای عزیزان از دست رفته شان هرگز پرنخواهد شد و آرام معلولان را حدی نیست. بسیاری از آوارگانی که در حین جنگ همه چیز خود را از دست داده بودند هنوز نتوانسته اند به مرطن خود باز گردند...

۳۱ شهریور ماه سالروز آغاز جنگ خانمانسوزی است که با تداوم ۸ ساله خویش میهن ما را به ویرانی کشاند. جنگی که توسط صدام حسین و به تحریک آمریکا با استفاده از دست آویزهای ناشی از سبک سری های خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی آغاز شد...

حمایق غم انگیز

ادامه از صفحه ۱

تا فر آور. قدما می گفتند صلاح کار مملکت خویش خسروان دانند و امروز کسانی در این مجلس نشسته اند که نه می فهمند مسائل مملکت چیست و نه از مصلحت خود خبر دارند...

وقتی رادیو تاسیس شد و اکش همین بود. تا سالها در قم و مشهد مردم پنهانی رادیو می گرفتند و کسی را جرأت بردن رادیو به حجره ها نبود. بر خورد با سینما نیز همین بود...

تغییر حساب بانکی و آدرس پستی نشریه

خواننده گرامی! مشخصات حساب بانکی جدید نشریه و همچنین آدرس جدید نشریه بشرح زیر به اطلاع شما می رسد...

آدرس پستی نشریه: IG.e.v. Postfach 260268 50515 Köln GERMANY حساب بانکی: IG.e.v. 22442032 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY

گرامی داشت خاطره شهدای "میکونوس" در برلین

همزمان با دومین سالگرد ترور برلین که در جریان آن دکتر صادق شرفکندی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، فتاح عبدلی و همایون اردلان دو تن از کادرهای این حزب و همچنین مبارز سرشناس نوری دهکردی، به دست تروریست های رژیم جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، چندین مراسم در شهر برلین برگزار گردید.

صبح روز جمعه ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) تعداد کثیری از ایرانیان مقیم برلین، با بازوبند های سیاه در جلسه دادگاه میکونوس شرکت کردند. عصر همان روز به مناسبت هشتمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی و دومین سالگرد ترور برلین، کانون پناهندگان سیاسی در برلین مراسم رسمی در خانه فرهنگ های جهان برگزار کرد، که صدها تن در آن شرکت نمودند. صبح روز شنبه ۲۶ شهریور (۱۷ سپتامبر)، به دعوت حزب سبزها، ده تن آلمانی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در برلین تظاهرات کردند. در پیشاپیش این تظاهرات، نماینده سبزها در پارلمان، دسته گلی با نوار سیاه حمل میکرد که بر روی آن شعاری در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران و ترور اپوزیسیون در خارج از کشور نوشته شده بود. همچنین عصر همان روز به دعوت کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور و خانواده وابستگان شهدای واقعه میکونوس، مراسمی بوسرمزار زنده یاد نوری دهکردی برگزار گردید که در آن تعداد قابل توجهی از هم وطنان شرکت کردند. در این مراسم نمایندگان احزاب و سازمانهای اجتماعی آلمانی و ایرانی پیامهایی خواندند و تروریسم حکومت اسلامی را محکوم کردند.

مصاحبه روزنامه فرانسوی فیگارو با رفسنجانی هیچ اشتباه بزرگی نکرده ایم!

دموکراسی در جمهوری اسلامی بالا تر از غرب است، خبرنگاران در ایران از فرانسه آزادی بیشتری دارند، بختیار را همدستان او کشته اند و جمهوری اسلامی در این ترور نقش نداشته است، تظاهرات اخیر در ایران یک هزارم شلوغی های آمریکا نیست، جمهوری اسلامی در دنیا منزوی نیست و سلمان رشدی باید اعدام شود. اینها از جمله ادعاها و تاکیدات هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران روزنامه فرانسوی فیگارو بود.

وی در مورد ترور مخالفین حکومت در خارج از کشور مدعی شد که: ما واقعا با اینگونه حذف مخالفین و آنرا مفید نمی دانیم. به گفته وی انگیزه اکثر این ترورها: نزاعهای گروهی است که خودشان به جان هم می افتند و شاید برخی عوامل مرزبانی هدف بدنام کردن جمهوری اسلامی، دنبال این کارها باشند. رفسنجانی دخالت جمهوری اسلامی در قتل دکتر شاپور بختیار را تکذیب کرد و گفت: ما مطلع هستیم که قاتلان از افراد خود اینها بودند که با هم اختلاف پیدا کرده بودند. وی مدعی شد اگر مساله را سیاسی نکنند نتیجه دادگاه بنفع جمهوری اسلامی خواهد بود.

رفسنجانی در مورد فتوای قتل سلمان رشدی گفت: این یک فتوایی است که داده شده است، اگر شما غربیها مساله را سیاسی نکنید این موضوع دامن زده نمی شود. او مدعی شد که: اجرای حکم بحث بزرگی کرده ایم.

گزارشی تازه از ...

ادامه از صفحه ۱

معترضان کنترل تظاهرات از دست سازماندهندگان آن خارج شد و جمعیت شروع به شعار دادن کردند و یک حرکت تقریباً ضد دولتی شکل گرفت. در مقابل این حرکت ما موران دولتی از سپاه و ارتش هیچگونه عکس العملی از خود بروز ندادند.

عصر همان روز (چهارشنبه) جناح حزب الله دعوت به یک راهپیمایی علیه راهپیمایان صبح کرده و با شعارهای مرگ بر صبحی ها، مرگ بر منافق و مرگ بر ضد ولایت فقیه به میدان آمدند که تعدادشان خیلی کم بود و بعد از مدتی پراکنده شدند. اما در نقاط مختلف شهر مردم دسته دسته جمع شده بودند و از حوادث آن روز صحبت می کردند. در ساعت ۹ شب در میدان اصلی شهر جمعیت زیادی - بیش از ۵۰۰ نفر جمع شده بودند و رنجرها یعنی گروه های ضربتی که از شهرهای مختلف از جمله کرج، تهران، لوشان و سایر نقاط به قزوین راه یافته بودند، میدان اصلی شهر را احاطه کردند. صدای تیراندازی در این وقت شب از همه ی نقاط شهر به گوش می رسید.

از نکات برجسته ی حوادث قزوین این بود که در همه ی کوچه و پس کوچه ها و محلات شهر مردم پیر و جوان، زن و بچه، همه وهمه جلوی خانه های خود حضور داشتند و به نظر می رسید که با حضور خود همستگی شان را با این حرکت اعلام می دارند. جوانان در مرکز این

شکسته شده ی جدول کنار خیابانها بسته شده بود و عبور و مرور با ماشین عملاً امکان پذیر نبود. ما از معدود کسانی بودیم که با ماشین در سطح شهر حرکت می کردیم و پیدا کردن راه عبور در سطح شهر با دشواری فراوان همراه بود زیرا در خیابانهای اصلی شهر در فاصله های ۵۰ متری مردم با سنگ و لاستیک های آتش زده سد معبر ایجاد کرده، با ما موران دولتی درگیر شده بودند. در کوچه های کوچک محلات نیز وضع بر همین منوال بود. در میدان اصلی شهر که در حقیقت مرکز اصلی درگیری مردم با ما موران حکومتی محسوب میشد، مردم بانگها و مؤسسات دولتی و شرکتهای بزرگ

بیمه و چندین خودروی دولتی از جمله یکی از ماشینهای وزارت کشور را به آتش کشیده بودند. با گذشت لحظه ها اطلاعات کاملتری شد.

در این مکان با پرس و جواز مردم متوجه شدیم که بعد از زلزله ی استان شدن قزوین از طرف مجلس شورای اسلامی، مقامات درجه دوم حکومتی در قزوین به عنوان اعتراض به تصمیم مجلس از مردم دعوت کردند که به یک راهپیمایی آرام و بدون شعار دست زنند و خواستند که از مسجد اصلی شهر به طرف خانه ی امام جمعه ی قزوین راهپیمایی کنند. تعداد راهپیمایان در ابتدا حدود ۵۰۰ نفر تخمین زده می شد که به تدریج تعداد آنان افزایش یافت. با افزایش تعداد

آتن های ماهواره ای ...

ادامه از صفحه ۱

حجت الاسلام از تمامی این صغری - کبری های میگرد این است که: اگر دولت اسلامی و کارگزاران حکومت اسلامی و همه مردم مسلمان به فکر باشند که با توجه به شرایط کنونی تا آن جا که می توانند از استفاده خانواده ها از ماهواره جلوگیری کنند فکر و تصمیم به جا و خدا پسندانه ای است.

به هر حال، و توجیه هر چه که می خواهد باشد نتیجه یکی است. می خواهند مردم را با هم بیشتر تحت فشار بگذارند و حلقه سانسور بر گرد آنان را هر چه تنگ تر کنند. می کوشند مردم را هر چه بیشتر تراز دست رسی به اطلاعات و سرپیچی از زندگی بر اساس معیارهای حکومت و اندیشه متعصبان متعصبان بازدارند.

از جمله واقعیاتی که نشانگر پوچ بودن دلیل ادعایی اصلی حکومتگران - ابتدال در جوانان - برای مقابله با آتن های بشقابی می باشد، این است که فرهنگ سنتی خانواده های ایرانی خود مهمترین عامل جلوگیری از تماشا ی آن برنامه های ماهواره است که ظاهر امر مورد نظر سردمداران حکومت است.

بعید به نظر می رسد در شرایطی که تعداد بی شماری آتن بشقابی بر بام خانه های هم میپنا مان روئیده است و با توجه به ابعاد آتن های ماهواره ای که با پیشرفت روزمره علم و فن هر چه کوچک تر می شود، ناپرخدان متعصب حاکم بر کشور قادر به مقابله با آتن های ماهواره ای باشند. نامحتمل نیست که رژیم اسلامی در نهایت در مقابل دشمن بشقابی خود همان گونه به زانو در آید که در مقابل ویدئو آمد و متحمل همان شکستی شود که پیشینیناش در برابر رادیو، تلویزیون و ده ها مورد دیگر شدند.

خارجی گفت آتن های ماهواره ای از مصادیق نشر فساد است و برخورد دادگاه های انقلاب در این زمینه کاملاً قانونی است. امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه روز ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) در مورد "اثرات سوء" ماهواره گفت دشمن با این وسیله اهداف مخربی را دنبال می کند و می کوشد جوانان مملکت اسلامی را به سوی مواد مخدر و بی قیدی و بی توجهی نسبت به جامعه و خانواده بکشانند. امامی کاشانی ماهواره را مهمترین ابزار دشمن برای محو اسلام خواند و گفت باید با اقدامات مناسب و دقیق حساب شده با این ابزار اثرات سوء آن به مقابله پرداخت.

روزنامه رسالت ارگان منحصر به فرد حکومت و بازار در نوشته ای مفصل به قلم حجت الاسلام رضا استادی به تشریح حکم شرعی ماهواره پرداخته است. وی پس از ذکر نمونه هایی از تاریخ فتاوی و صغری - کبری چیدن های بسیار چنین نتیجه گرفته است که تمامی این هاسته به مورد استفاده شان حلال یا حرام می باشند. او در رابطه با ماهواره نوشته است یا باید بحث حلال بودن آن را تنها به "حوزه علم محدود داشت، یا باید گفت به صورت مشروط حلال است و با توضیح مفاسد آن مردم را از استفاده از آن بازداشت و یا باید گفت با این که حکم ماهواره مانند رادیو و تلویزیون یعنی حلال مشروط است، چون استکبار از آن برای نابودی بنیان های مقدس اسلام و حکومت اسلامی سود می جوید، تنها کسانی حق استفاده از آن را دارند که از ایمان بالائی برخوردارند و تسلیم و سوسه شیطان نخواهند شد. اما به هر حال نتیجه اخلاقی که آقای

چیزدی نیست لیکن از آن جایی که در دست افرادی نایاب افتاده به ضرر ارزش های ملی و مذهبی است. یکی از نمایندگان گفت وقتی در تهران ۱۳۰ کانال ماهواره ای قابل دریافت باشد که بسیاری از آن ها ۲۴ ساعته برنامه علیه ارزش های حکومت اسلامی بخش می کنند، چاره ای جز ممنوعیت آتن های ماهواره ای وجود ندارد.

مخالفتان بر بی اثر بودن وضع قوانین متکی بر برخورد فیزیکی تأکید داشتند. آن ها می گفتند مشکل جمهوری اسلامی نه در نداشتن قانون برای مقابله با ماهواره بلکه غیرجذاب و یکنواخت بودن برنامه های صدا و سیما است. یکی از مخالفان گفت حتی جمع کردن آتن های بشقابی نیز چاره ساز نخواهد بود، چرا که با استفاده از یک سری دستگاه ها و نصب آن ها در شیشه پنجره و یا با استفاده از پرده هایی که تا روپود آن آتن های ماهواره ای است، جلوگیری از استفاده مردم از برنامه های ماهواره هایش از پیش دشوار خواهد شد. دکتر عباس شیبانی یکی از مخالفان طرح مورد بحث را طر حی به شدت مضر خواند. وی گفت اگر شمارا دیو تلویزیون تان را قوی بکنید کسی برنامه های ماهواره تماشا نمی کند. من مسلمان موقعی که مرجع تقلیدی می گوید این حرام است نگاه نمی کنم. شما مرا مسلمان درست تربیت بکنید.

از هفته ها پیش از تصویب طرح ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره در مجلس، مسئله آتن های ماهواره و جلوگیری از آن از موضوعات روزمرد بحث در جامعه بود. یزدی رئیس قوه قضائیه در صبح روز چهارشنبه ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر) در برابر خبرنگاران داخلی و



باچه فروش بلیط اتوبوس های شرکت واحد در حاشیه میدان آزادی. صف انبوه است، علیرغم آنکه بلیطها را گران کرده اند. هیچکس گران را اعلام نکرد اما بلیطها از نیمه شهریور ۲۰ ریال به ۵۰ ریال افزایش یافت. چگونه؟ یک روز صبح بر همه باچه ها این جمله ظاهر شد: بلیط ۲۰ ریالی نداریم مجبور شدیم بلیط ۵۰ ریالی بخرند. و فرادا؟ بلیط ۲۰ ریالی دیگر عملاً وجود ندارد. قیمتها فعلاً بین ۵۰ و ۱۰۰ ریال متغیر است.

گزارش تازه وزارت خارجه آمریکا در مورد مجاهدین

به درخواست اعضای کنگره آمریکا، وزارت امور خارجه این کشور گزارشی در باره وضع اپوزیسیون ایران تهیه کرده و در اختیار نمایندگان کنگره گذاشته است. در این گزارش احزاب، سازمانها و گروههای مخالف رژیم جمهوری اسلامی، موقعیت آنان در ایران و خارج از کشور از زبانی شده است. وزارت امور خارجه در گزارش خود سازمان مجاهدین خلق را یک سازمان "تروریست" خوانده که "ناسازگار با ارزش های جامعه آمریکاست".

روزنامه معتبر آمریکایی واشنگتن تایمز با انتشار خبر از زبانی دولت کلینتون از سازمان مجاهدین خلق، مقاله ای در همین زمینه به قلم آندرو باروویک "روزنامه نگار سرشناس خود چاپ کرده است. واشنگتن تایمز نوشته که با تشدید روزافزون نا آرامی ها در ایران،

۴۷ نشریه تعطیل شدند

روزنامه ابرار در شماره ۲۴ شهریور خود خبر داد که وزارت ارشاد پروانه انتشار ۴۷ نشریه ماهنامه و هفتگی را لغو کرده است. ابرار اسامی این نشریات را به شرح زیر اعلام کرد: ارغوان، اسکان، اسلام جاغرسی، اقتصاد هفته، آینه اندیشه، اکو او اسلام، ایران مهر، ایران شناسی، اوقات فراغت، الظاهره، بازار و اقتصاد اسلامی، بهکام، پارس، پگاه، پیام یونسکو، پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، تلخ، توسعه و آینده، دریاچه گفتگو، دفتر طلایه، رونق، ساکون، ساختمان، سوره بانوان، سفر، سیمای جوان، شاطر الشعرا، صالحین روستا، صبا، صورت الوحده، علم الکترونیات و صوت الکمپیوتر، علم و زندگی، فرزین، فسا، فیزیک، صنایع کانی والی، کودک و نوجوان، کیمیا، کلام، کوه رنگ، گردش، گنج، محبوبه، مردمک، میراث فرهنگی، نوید فضیلت (فضیلت خانواده)، نهال، بذرو همشهری ماهانه. وزارت ارشاد درباره دلایل لغو امتیاز این نشریات هیچگونه توضیحی ن داده است.

در ماههای اخیر مسئولان وزارت ارشاد پارها اعلام کرده اند که نشریاتی که با اهداف استراتژیک رژیم هماهنگ نباشند، اجازه انتشار نخواهند یافت. علاوه بر این فشار بر مطبوعات غیر وابسته ای که انتشار آنها ادامه دارد، از طریق کاهش یا قطع سهمیه کاغذ آنها افزایش یافته است.

کنفرانس جمعیت و توسعه یک گام به پیش

با پایان یافتن کنفرانس جهانی جمعیت، بحث‌ها و پرسش‌ها در مورد میزان موفقیت آن همچنان جریان دارد. اسناد نهایی این کنفرانس راه‌کارها و توصیه‌ها و مصالح منافع سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک خود می‌نگرد. برای نمونه تا آنجا که به واتیکان و بنیاد گریان اسلامی برمی‌گردد، همینکه کنفرانس به‌تدریج وقت خود را صرف رسیدگی به انتقاد و اعتراض آنها درباره مسائل جمعیتی نمود و چنین و آموزش‌های جنسی نمود و کم و بیش نظرات آنها را تأمین نمود، برایشان مایه مسرت و خرسندی است. گرچه واتیکان به فرمولبندی‌های تعدیل شده هم‌رای مثبت نداد و برخی از کشورهای اسلامی از جمله ایران هم به آن رای مشروط دادند.

سند نهایی کنفرانس در مجموع حاوی نکات و موارد مثبتی است که اگر دولت‌های امضاکننده خود را مقید به اجرای آن بدانند، گام‌های مهمی در راستای تأمین حقوق زنان و تنظیم خانواده و آگاهانه خانواده برداشته خواهد شد. در این سند برای اولین بار میان حقوق جنسی و

حقوق زایایی فرق گذاشته می‌شود. هنگامی که از حقوق زایایی صحبت می‌شود، منظور وظایفی است که دولت در ایجاد بنیادهای لازم برای تنظیم خانواده و تأمین یک سیستم بهداشتی سالم و فراگیر برای زنان باردار به عهده دارد و حقوق جنسی ناظر بر حق نوجوانان و همه افراد جامعه بر آموزش‌های جنسی است که لزوماً با تولید مثل ارتباط ندارد. سند همچنین پایه به رسمیت شناختن اشکالات مختلف خانواده، ظلم و اجحاف بخشی از مردان در حق زنان در کشورهای همچون کشور ما را مردود می‌شمارد و بایاداری از یک خانواده را توجیهی برای سکوت زن و فرزند در برابر زورگویی، بدرفتاری و ضرب و شتم مرد نمی‌شناسد. دولت هیچ اقدام حمایتی چه در زمینه حقوق و چه در زمینه معیشتی از آنها به عمل نمی‌آورد. فصل چهارم سند کنفرانس قاهره که اعطای قدرت بیشتر به زنان را طلب می‌کند، فراخوانی است به تغییر این روش‌ها و سیاست‌ها.

سند کنفرانس به درستی سقط جنین را دارای ریشه‌های اجتماعی می‌داند و بر تأمین یک سیستم بهداشتی که سقط جنین‌ها را لازم را

بار عایت سلامت زنان باردار انجام دهد تا کید می‌کند. سند همچنین خطرات و پیامدهای ناشی از ازدواج دختران در سنین پایین را برمی‌شمارد و از دولت‌ها می‌خواهد که سن ازدواج را به سطحی ارتقا دهند که به لحاظ پزشکی و جمعیتی معقول و مسئولانه باشد.

اما کنفرانس به مساله اساسی یعنی رابطه توسعه و فقر و مسئله جنسیت و شمال نپرداخت. در کنفرانس تنها به این مسئله بسنده شد که در سند نهایی به "مصرف‌گرایی مفرط و تولید پرریخت و پاش" در شمال اشاره شود، بی آنکه پیشنهاددهای مشخصی در باره جلوگیری از اتلاف منابع زمین و تخریب محیط زیست از سوی غرب و وضع فقر، بیسواد و بیکاری در جهان سوم ارائه شود. در کنفرانس‌های پیشین جمعیت کشورهای غربی کاهش رشد جمعیت را تنها در گرو پیشگیری و تنظیم خانواده در جنوب می‌دانستند و کشورهای جنوب با اشاره به نظم ناعادلانه جهانی، توسعه موزون و پایدار جنوب را بهترین کلید حل مشکل جمعیت می‌شمارند. در

خبرهای کوتاه

اجلاس تخصصی

برای جلوگیری از اسراف در مصرف نان

اجلاس تخصصی نان به منظور بررسی مسائل کیفی تغذیه فنی و اقتصادی نان در تهران شروع به کار کرد. در این اجلاس حبیبی معاون اول رئیس جمهور به جلوگیری از اسراف نان تا کید کرد و گفت برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه و کنترل مصرف نان در جامعه باید جایگزین‌های مناسبی پیدا کرد. هم‌اکنون بعثت گرانی سایر مواد غذایی نان مهمترین ماده غذایی بخش عمده‌ای از مردم را تشکیل می‌دهد. معلوم نیست آقای حبیبی چه ماده غذایی ارزانتری را جایگزین نان می‌خواهد بکند. به موجب آمارهای موجود در حال حاضر متوسط مصرف سرانه نان در کشور ۳۷۰ گرم در روز است که این میزان ۴۰ درصد مواد غذایی مصرفی در جامعه را تشکیل می‌دهد.

ممنوعیت پیش از یک شغل دولتی برای هر نفر

مجلس شورای اسلامی طرح ممنوعیت تصدی پیش از یک شغل برای هر شخص در دستگاه‌های دولتی را تصویب کرد. اما قرار است سمت‌های آموزش در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و تحقیقاتی از این حکم مستثنا باشند. نمایندگان خامنه‌ای در دستگاه‌های دولتی نیز شامل این قانون نمی‌شوند.

تخلف از این قانون به انضباط خدمت موقت از ۶ ماه تا یکسال منجر خواهد شد و وجهه در یافتی از مشاغل جز شغل اصلی باید مسترد شود و تکرار تخلف به انضباط دائم از مشاغل دولتی می‌انجامد.

تاکنون بسیاری از کارگزاران رژیم اسلامی پشتگرم از نفوذ خود در ادارات و موسسات دولتی از حقوق و مزایای شغل‌های متعدد دولتی که رقم آن گاه به ۲۰ عدد می‌رسید برخوردار بودند.

امکانات سپاه در اختیار بسیج قرار می‌گیرد

سرتیپ پاسدار محمد علی جعفری فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران روز شنبه در مشهد اعلام کرد که از هفته آینده امکانات سپاه در اختیار نیروی بسیج قرار خواهد گرفت. محمد علی جعفری هدف این طرح را افزایش توان رزمی و دفاعی بسیجیان ذکر کرد.

بیانیه مشترک پاکستان و جمهوری اسلامی

در پایان دیدار یک هیات بلند پایه پاکستانی از ایران، بیانیه مشترک روسای جمهوری پاکستان و ایران در تهران و اسلام آباد منتشر شد. این بیانیه همکاری‌های جدید مشترک در زمینه‌های نفت و گاز، بازرگانی، صنعت و کشاورزی و سیاسی امنیتی را شامل می‌شود. در بیانیه مشترک همچنین مبارزه مشترک با قاچاق مواد مخدر و آشنایان در مرزهای دو کشور، اجرای پیمان آزیمیر، طرح عمل کوئته و بیانیه استانبول، مساله افغانستان، مذاکرات صلح تاجیکستان و تجاوزه علیه آذربایجان و عدم تحرک سازمان ملل در مورد بوسنی تا کید شده است.

کشف بزرگترین کاروان قاچاق

سرتیپ محمود چابلقی فرمانده ناحیه انتظامی سیستان و بلوچستان اعلام کرد که ما موران موفق به کشف و ضبط بزرگترین محموله قاچاق شده‌اند. قاچاقچیان قصد داشتند این محموله را از طریق ایران به کشورهای اروپایی انتقال دهند. این محموله شامل یک تن و ۸۸۶ کیلوگرم مرفین و ۴ تن و ۹۲۱ کیلوگرم تریاک بوده است. وی افزوده است این مقدار مواد مخدر پس از یک درگیری دوساعته در شمال سیستان و بلوچستان ضبط شده است. سرتیپ چابلقی اعلام داشت در شش ماه گذشته جمعا ۳۳/۳ تن مواد مخدر کشف و ضبط شده است.

ارتباط ایران با بانک‌های اطلاعاتی ۶۰ کشور

معاون مخابراتی وزارت پست و تلگراف و تلفن روز ۲۲ شهریور در مصاحبه‌ای با خبرنگاران اعلام داشت شبکه انتقال اطلاعات و اطلاع رسانی کشور در ارتباط با بانک‌های اطلاعاتی ۶۰ کشور به بهره‌برداری رسید. وی ابراز داشت از این پس مشترکین می‌توانند با داشتن یک خط تلفن و یک دستگاه کامپیوتر به آخرین آمار و اطلاعات ایران و جهان دست یابند. معاون وزارت پست و تلگراف و تلفن افزود شبکه اطلاع رسانی ایران (بی. دی. ان.) ۴۰ میلیون دلار هزینه داشته است و با استفاده از این شبکه می‌توان از پست الکترونیکی نیز بهره‌مند شد. وی اعلام کرد در حال حاضر سیستم انتقال اطلاعات به زبان‌های فارسی و انگلیسی است. وی افزود شبکه انتقال اطلاعات "ایران پک" تا مگذاری شده است.

دیدار سردبیر "کیهان هوایی"

با مسئولین وزارت اطلاعات

بر اساس گزارش خبرنگار سازمان برون مرزی حزب ملت ایران، عباس سلیمی‌نمین سردبیر روزنامه "کیهان هوایی" و عضو دفتر سیاسی سپاه پاسداران با سرگی آریا کوف "سرهنگ پیشین دایره امنیتی کا. گ. ب. تاجیکستان" که در حال حاضر به عنوان رایزن امنیتی در امور گروهک‌های ضد انقلاب "در اداره کل امنیت داخلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به کار مشغول است، دیدار داشت. به نوشته خبرنگار حزب ملت ایران در این دیدار موضوع هماهنگی بیشتر میان بازوهای تبلیغاتی وزارت اطلاعات و نیز کاهش بودجه هجده درصدی این هفته نامه مورد بررسی قرار گرفت.

انفجار یک بمب صوتی در تهران

صبح روز شنبه ۲۶ شهریور یک بمب صوتی قوی در خیابان کوشک واقع در نزدیکی میدان فردوسی تهران منفجر شد. یک کودک دبستانی در این حادثه زخمی شد و به چندین خانه و تومبیل خساراتی وارد آمد. از عاملین این انفجار اطلاعی منتشر نشده است.

رویدادهای ورزشی

هیروشیما به استقبال بازیهای آسیایی می‌رود

اضافه ۱۰۸ کیلوگرم به مصاف حریفان خواهد رفت. وزنه برداران در وزن هانی مختلف عبارتند از: ۷۶ کیلو؛ اسماعیل تقی پور و بهمن زارع مجد، ۸۳ کیلو؛ عباس طالبی، ۹۱ کیلو؛ رئیس علی خاتمی، ۱۰۸ کیلوگرم؛ علی جباری و مظفر اجلی، به اضافه ۱۰۸ کیلو؛ رمضانعلی تیموری و صادق دلخوش. سرمربی تیم نصرالله دهنوی، مربی آن محمد نوری و سرپرستش غلامحسین پور عسگری می‌باشند.

تیم ملی فوتبال ایران در هیروشیما با تیم‌های بحرین، یمن، ترکمنستان و چین هم‌گروه است. ایران که برای دفاع از عنوان قهرمانی خود به هیروشیما می‌رود، به ترتیب در روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۷



تنها چند روز به آغاز بازی‌های آسیایی در هیروشیما مانده است. بعضی از تیم‌ها اردوی خود در هیروشیما را برپا کرده‌اند. مشعل بازی‌های المپیک آسیایی که قرار است روز ۹ مهر (یکم اکتبر) مشعل شود، راه خود به سوی هیروشیما راه روز ۲۰ شهریور (۱۱ سپتامبر) آغاز کرده است. مشعل المپیک راه خود را با کشتی و اتومبیل و از میان ۸۶ شهر طی خواهد کرد. بازی‌های آسیایی که روز ۱۰ مهر (۱۲ اکتبر) افتتاح می‌شود، روز ۲۴ مهر (۱۶ اکتبر) خاتمه می‌یابد.

کاروان ورزشی ایران با ۲۸۰ نفر در بازی‌های آسیایی هیروشیما شرکت خواهد داشت. ۲۳۶ نفر از این تعداد در ورزشکاران، مربیان و سرپرستان تیم‌های ملی تشکیل می‌دهند. ایران با ۱۶ تیم ورزشی در این دوره از بازی‌های آسیایی شرکت می‌کند. این تیم‌ها شامل رشته‌های واترپلو، والیبال، بسکتبال، فوتبال، شنا، تکواندو، جودو، کاراته، دوو میدانی، سوارکاری، تیراندازی، بانوان، بکس، وزنه برداری، تنیس، کشتی آزاد و فرنگی و در جرخه سواری می‌باشند.

تیم ملی وزنه برداری ایران در بازی‌های آسیایی این دوره تنها در وزن‌های ۷۶، ۸۳، ۹۱ و ۱۰۸

والیبال جوانان ایران

ششم شد

تیم ملی والیبال جوانان ایران پس از شکست در برابر جوانان والیبالست پاکستان به مقام ششم این دوره از مسابقات قهرمانی والیبالست‌های جوان آسیا قناعت کرد. ایران در سه ست پی‌درپی و با نتیجه ۱۵-۱۰، ۱۵-۱۰ و ۱۵-۸ بازی را به پاکستان وا گذاشت. در این دوره از بازی‌های تیم ایران تیم‌های عمان، استرالیا و قطر را به زانو در آورد و در برابر تیم‌های کره جنوبی، چین و پاکستان پذیرای شکست شد. کره جنوبی و هند به ترتیب به قهرمانی و نیابت قهرمانی این بازی‌ها رسیدند. تیم هند با شکست دادن دو تیم مدعی چین و ژاپن، تیم شگفتی‌آفرین این دوره از بازی‌ها شد.

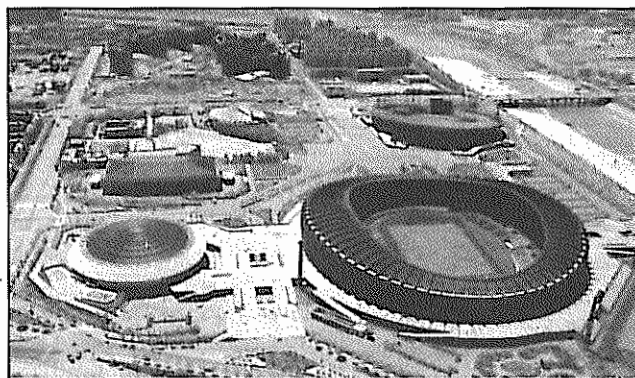
محمود افشار دوست، کاپیتن تیم ایران به عنوان بهترین توپ‌گیر بازی‌ها انتخاب شد و به همراه سه بازیکن از کره جنوبی، یک هندی و یک قطری در تیم منتخب آسیا جای گرفت.

سایپا تهران ۲ نفتچی ازبکستان ۲

تیم سایپای تهران در چارچوب مسابقات جام باشگاه‌های آسیا در خانه خود به تساوی ۲-۲ با رقیب خود تیم نفتچی ازبکستان تن داد. گل‌های تیم تهرانی در دقیقه ۱۰ و ۴۶ توسط فرشاد فلاحت‌زاده و مجید صالح به ثمر رسیدند. تیم ازبک که از ۷ ملی‌پوش بهره می‌برد دو گل خود را در نیمه اول بازی زد. به این ترتیب سایپا سفر دشواری را به تا شکند خواهد داشت.

بانک ملی قهرمان فوتبال تهران شد

با پایان مسابقات فوتبال دسته اول باشگاه‌های تهران تیم‌های بانک ملی و بهمن به ترتیب به مقام قهرمانی و نیابت قهرمانی دست یافتند و وارد لیگ فوتبال منطقه‌ای شدند.



تاسیسات ورزشگاه‌های محل برگزاری بازیهای آسیایی هیروشیما

تیم ملی فوتبال، "واشاش" مجارستان را شکست داد

تیم ملی فوتبال ایران در چارچوب بازی‌های تدارکاتی خود به منظور شرکت در بازی‌های آسیایی هیروشیما، در مجارستان مقابل تیم واشاش این کشور با نتیجه ۳ بر ۱ پیروزی رسید. گل‌های ایران در این دیدار توسط فرشاد بیوس، کاپیتن تیم، علی‌دانی و اصغر میردوستاوی به ترتیب در دقیقه ۲۸، ۴۴ و ۴۴ دقیقه پایانی بازی به ثمر رسید. تنها گل تیم رقیب را پروگوا در دقیقه ۸۲ بازی زد.

جایبی که کاربسی ارزش است

گزارشی از وضعیت اقتصادی در جمهوری اسلامی

کرده باشد. از آنجا که واردات کالا، تنها بابت سفارش قبلی انجام می‌گیرد و برای ثبت سفارش نیز باید ارز صادره را ارائه داد، مجوز ورود کالا به صادرکنندگان محدود شده است. چنین مجوزی، قابل انتقال نیست. این سیاست، واردان را بسیار محدود کرده و در نتیجه، قیمت اجناس وارداتی را بسیار بالا برده است. در مقابل، نرخ برابری ارز نسبت به ریال مطابق اهنگ تورم در ایران ترقی نکرده است. اما دست اندرکاران پیش‌بینی می‌کنند که به محض ایجاد کوچکترین گشایشی در امور واردات، تقاضا برای ارز در نتیجه بهای آن به سرعت بالا رود.

عواقب تصمیمات اقتصادی جدید، حتی دامن مؤسسات دولتی را نیز گرفته است. کشوری که تا یک سال پیش، سالانه ده‌ها هزار اتومبیل سواری وارد می‌کرد، اکنون در تامين نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های خود، دچار مشکلات بزرگی است. یک دانشگاه دولتی ناگزیر است برای خرید کامپیوتر، به بازار آزاد روی آورد، و شرکت طرف قرارداد دانشگاه، اقلام مورد نیاز را از راه قاچاق از دبی وارد می‌کند. برای آتومبیل‌های علمی، بودجه ارزی دانشگاه کفایت نمی‌کند. در عین حال، همین دانشگاه پنا به تصمیم وزارت علوم هر سال ظرفیت اسمی خود را بالا می‌برد تا آقای رفسنجانی بتواند در مصاحبه خود با اطلاعات، افزایش شمار دانشجویان را از موفقیت‌های دولت خود جا بزند. افزایش شمار دانشجویان بدون تناسب با افزایش امکانات، تنها وکنشی است در برابر اضافه شدن سالانه تعداد شرکت‌کنندگان در کنکور، و برای مسئولان دانشگاه‌ها مشکلات زیادی ایجاد کرده است. به عنوان نمونه، یک دانشگاه دولتی سال گذشته ناچار شد ثبت نام نیمی از پذیرفته‌شدگان رشته دندانپزشکی را یک سال به تعویق افکند زیرا امکانات آموزش تعدادی را که وزارت علوم تعیین کرده است، ندارد.

تصمیمات جدید دولت، نوعی بازگشت سیاست بازرگانی خارجی به اقتصاد جنگی است، اما منهای امکاناتی که حتی در سال‌های جنگ برای برخی نیازهای اساسی آموزشی، درمانی و رفاهی در نظر گرفته می‌شد. اگر هم در ماه‌های آینده با افزایش قیمت نفت، در درآمد ارزی ایران گشایشی حاصل آید، با توجه به افزایش جمعیت و به تبع آن نیازها، کاهش شدید قدرت خرید و سطح زندگی مردم در دو سال اخیر جبران نخواهد شد. چشم‌انداز درازمدت نیز امیدوارکننده نیست، چرا که به گفته خود مسئولان جمهوری اسلامی، درآمد نفت که کماکان اقتصاد ایران بر آن استوار است، تا ۱۵ سال دیگر بیشتر دوام نخواهد داشت. برخلاف ادعاهای رفسنجانی که می‌گوید دولتش هم و غم خود را صرف پروژه‌های استراتژیکی مانند پتروشیمی کرده است، آنچه از عواقب سیاست‌های نخستین سال‌های پس از جنگ مشهود است، انبوه کالاهای مصرفی و لوکسی مانند اتومبیل‌های سواری خارجی است که در خیابان‌ها جولان می‌دهند و بر سموم هوای آلوده‌ترین شهر جهان می‌افزایند. به نظر می‌رسد ایران، در نتیجه سیاست‌های مخرب و بی‌ثبات جمهوری اسلامی، سال‌هایی تعیین‌کننده را که باید صرف ایجاد زیربنای اقتصاد بدون نفت می‌شد، از دست داده است.

چنین اقتصادی، بیدی است که به یک نسیم کاهش قیمت نفت می‌لرزد. اما عواقب همین بحران هم گریبان اقلیت ثروتمند جامعه را نمی‌گیرد. هر کس که در کسب و کار باشد، خوب می‌داند که چکار کند در آمدش همراه با نرخ تورم بالاتر رود. در مقابل، آنهایی که به حقوق و دستمزد وابسته‌اند، هفته به هفته قدرت خرید کمتری دارند. همین باعث شده است تا به خصوص در تهران، لا اقل در مورد مایحتاج اولیه، فراوانی به چشم بخورد. واقعیت این است که در قیاس با سالهای پیش، نه مقدار عرضه کالا بیشتر و نه از جمعیت کاسته شده است، بلکه این میزان مصرف سرانه است که کاهش نشان می‌دهد. اکثر مردم تا حدی در تهیه مایحتاج خود با دشواری مواجهند که حتی در اقلام به ظاهر بیش‌افتاده نیز باید حساب و کتاب دقیقی اعمال کنند. به عنوان نمونه، تا وقتی بهای روزنامه‌ها ۵۰ ریال بود، از هنگام توزیع کیهان،

جمهوری اسلامی خوب می‌داند که "آم‌القرایی" که می‌خواستند بسازند و با فلاکت فعلی دیگر سروصدایی از آن نیست، به شمال شهر تهران خلاصه می‌شود. علیرغم ادعای شهرداری تهران که در نیویورک گفته است درآمد شهرداری بیشتر صرف محلات محروم می‌شود، تغییراتی که در این شهر چشمگیر است، بیشتر در محلات ثروتمندتر تهران روی داده است. در این بخش، ظرف چند سال اخیر چندین کیلومتر بزرگراه جدید با پل‌های چند طبقه ساخته‌اند. این راه‌ها پر شده است از اتومبیل‌های کره‌ای، ژاپنی، فرانسوی و آلمانی جدید که با ارز دولتی و نیمه دولتی وارد کرده و فروخته‌اند. اتومبیل‌هایی با قوانین جدید واردات، آنقدر گران شده است که برای صاحبانشان، حکم یک منبع ثروت را دارد. کسی که اتومبیلی را سه سال پیش به قیمت یک میلیون تومان خریده است، امروز آن را بین دو تا سه میلیون تومان

محسوس است. در خیابان‌های تهران که راه می‌روی، اتومبیل‌های مسافرکش هر چند لحظه یک بار با بوق و چراغ و ترمز کردن و فرمان دادن به سمت تو، می‌فهمانند که بیاو سوار شو. زمانی بود که از نظر راننده تا کسی یا مسافرکش، یک مسافر ایده‌آل وجود داشت که هر کس کاملاً با این الگوانطباق نداشت، شانس سوار شدنش به مرکب راهوار، ناچیز بود. مسافر ایده‌آل، مرد جوانی بود در اوج بنه جسمی، تا بتواند به سرعت خود را به ماشینی که ۲۰-۳۰ متر آنسوتر ایستاده، برساند. پولش آماده در دستش بود تا راننده را معطل نکند. آنقدر چست و چالاک بود که می‌توانست در حالی که ماشین هنوز کاملاً ایستاده، سوار یا پیاده شود. قیافه‌اش طوری بود که معلوم بود بقدر کافی تجربه ماشین سواری دارد و می‌داند در راه باید دقیقاً با چه ضربی بست که نه باز بماند و نه خراب شود. دستش رابه علامت اینکه مسیر من مستقیم است

گزارش کوتاه زیر، حاصل مشاهدات ناظری است که از دیدی غیر کارشناسی، آنچه را که از عواقب اعمال سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی به چشم می‌آید، ثبت کرده است. بررسی آمار (اگر درستش به دست آید) و تجزیه و تحلیل روندها و چشم‌اندازهای اقتصادی توسط خبرگان این علم به یک سو، و تصویر پردیده‌هایی که برای همه مردم قابل لمس است، به جای خود. از هنگام کاهش درآمد‌های نفتی ایران در دو سال اخیر دیدن سو، "کار" اخیر، گزارش‌ها و مقالات زیادی درباره بحران اقتصادی جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است. گزارشی که می‌خوانید، حکم یک تصویر لحظه "از سایه‌ای را دارد که این بحران بر زندگی روزمره افکنده است.

لوله کشی که کوپن فروش شد

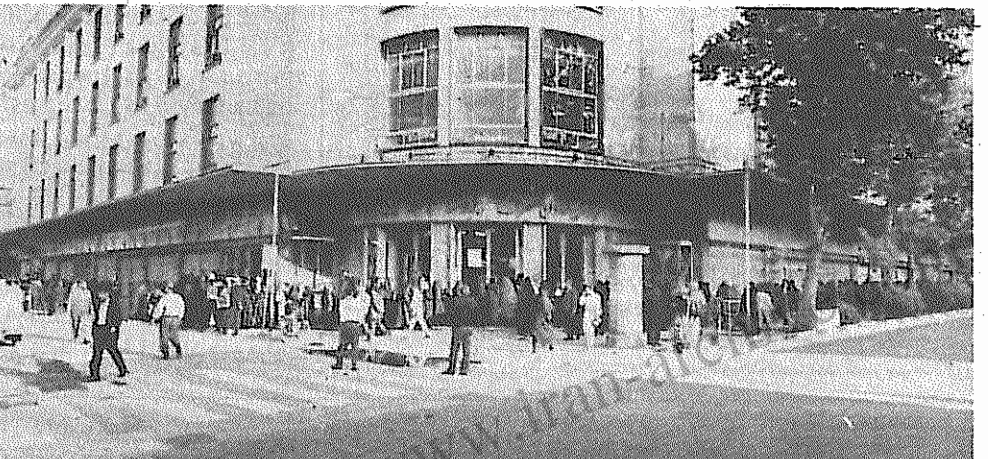
هنگام کار، حسابی دمع است. علت را که می‌پرسی، از شریکش گله می‌کنی که سند و جواز و همه چیز مغازه به اسم او است، اما دل به کار نمی‌دهد و رفته است در یک چهارراه پررفت و آمد شهر آرا کوپن خرید و فروش می‌کند. وقتی تمجبت را از این که علیرغم حذف کوپن اکثر اقلام، هنوز خرید و فروش کوپن رونق دارد ابراز می‌کنی، می‌گوید که اغلب مردم، در تهران نیز که بازنسبت به سایر مناطق مرفه تر است، به اجناس کوپنی وابسته‌اند. کیست که بتواند قند و شکر کیلویی ۲۰۰ تومان را از بازار آزاد تهیه کند؟ البته وقتی که اعتبار یافتن کوپنی با شماره معین را اعلام می‌کنند، پیدا کردن کاسب با انصافی که جنس کوپنی را به همان قیمت دولتی به تو بدهد، کار حضرت فیل است. مثلاً وقتی لامپ دولتی توزیع می‌شود، فوری یک تابلوی از پیش آماده شده "لامپ نداریم، سوال نفرمائید" پشت شیشه همه الکتریکی‌های دوروبر میدان توپخانه نصب می‌شود. معلوم نیست این لامپ‌هایی که دولت توزیع کرده، کجاست. اینکه عاقبت از کجا سدر می‌آورد، معلوم است. در بازار آزاد به چند برابر قیمت فروش می‌رود و چون کسی که جنس کوپنی را می‌فروشد باید به مقدار جنسی که گرفته، کوپن ارائه دهد، کوپن‌هایی را که روی دست مردم مانده و بیاد کرده را به قیمتی بسیار کمتر از مابه‌التفاوت قیمت دولتی و آزاد جنس، می‌خرند. آن بیچاره‌ای که ساعت‌ها پیاده دنبال جنس کوپنی گشته، لا اقل با فروش کوپن احساس موفقیتی می‌کند. فروشنده آزاد اجناس کوپنی هم که کوپن‌ها را جور کرده و خیلش راحت است. و تازه در این میان پولی هم به جیب پادو یا دل‌لاری رفته که کنار خیابان ایستاده و می‌گوید "کوپن مدت گذشته و نگذشته خریداریم". این پول آنقدر هست که از نصف درآمد یک کارگاه لوله کشی بیشتر باشد. بخصوص اگر مشتریان کارگاه، نه بساز و بفروش‌ها، بلکه کسانی باشند که تعمیرات مختصری در خانه دارند، کاسیای کتون به شدت کساد است. خیلی‌ها ترجیح می‌دهند اگر ایرادی پیش آمد، یا آن را به حال خودش بگذرانند یا خودشان به نحوی سرهم بندی اش کنند. گذشت آن زمانی که آوردن برق کار لوله کش و ... به خانه در وسع مردم می‌گنجید. این است که بسیاری از عرضه‌کنندگان چنین خدماتی، بی‌مشری می‌مانند و باید به کارهایی مانند کوپن فروشی روی آورند.

لایحه بیمه همگانی تصویب شد

مجلس شورای اسلامی در دو وزارتخانه صنایع و صنایع سنگین در هم ادغام شده و وزارت صنایع را تشکیل دهند. بر اساس این مصوبه اعتبارات وزارتخانه جدید از مجموع اعتبارات این دو وزارتخانه تامین خواهد شد. قرار است وزیر وزارتخانه جدید در همراه معرفی شود.

تاسیس شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری

تاسیس شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری سه بانک و چهار شرکت بیمه ایرانی یک شرکت بیمه جدید بنام شرکت سهامی بیمه صادرات و سرمایه گذاری تاسیس شد. با تاسیس این شرکت بعد از این صادرکنندگان کالا و سرمایه به خارج از کشور و ایرانیان مقیم خارج از کشور که می‌خواهند در ایران سرمایه گذاری کنند با کالای بی‌خطر نمایند می‌توانند از ضمانت این شرکت استفاده کنند. بگفته رئیس کل بیمه مرکزی ایران این شرکت در سه ماه آینده فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.



صف طویل مردم برای تهیه اجناس کوپنی از یکی از فروشگاه‌های شهروستا

پرخواننده ترین روزنامه، تازمانی که آخرین نسخه آن به فروش می‌رفت، در اغلب نقاط تهران نیم ساعت بیشتر نمی‌گذشت. بین ساعت سه و نیم تا چهار و نیم بعد از ظهر، صف طولانی در برابر کیوسک‌های روزنامه‌فروشی، یک صحنه روزمره بود. اما از هنگامی که قیمت روزنامه دوبرابر شده و به ۱۰۰ ریال رسیده، همه روزنامه‌فروش‌ها تا ساعات شب هم روزنامه موجود دارند و از صف هم خبری نیست. در مقابل، تنها روزنامه ۵۰ ریالی یعنی همشهری، مشتری بسیار دارد و زود تمام می‌شود. به همین مقیاس، بقیه اجناس نیز گران شده‌اند و تنها اقلیتی توان خرید آن را دارند. و این اقلیت، هر افزایش قیمت را به راحتی تحمل می‌کنند. در چهارراه‌های شمال تهران، روزنامه‌های که قیمت رسمی آنها ۱۰۰ ریال است، ۲۰۰ ریال فروش می‌رود، فقط بدین خاطر که خریداران اتومبیل سواری، وقت یا حوصله توقف در برابر کیوسک روزنامه‌فروشی را ندارند. بدین ترتیب، از قبل چنین مشتری‌هایی می‌توان با فروش شبی صد روزنامه، درآمدی معادل حقوق یک کارمند لیسانسیه و یا یک کارگر متخصص با تجربه داشت.

اقتصادی که جمهوری اسلامی ایجاد کرده، اقتصاد کسب است نه اقتصاد کار. امروز کار در ایران بی‌ارزش شده است. هر کس که حرفه‌ای امرخته و می‌خواهد از کار کردن امرامعاش کند، باید این کار را حداقل با عنصری از کسب همراه سازد تا از نمد این اقتصاد بی‌حساب و کتاب، چیزی هم نصیب کلاه او شود. اگر کارگراست، باید به فکر این باشد که یا دست بجه هایش را به چیزی مانند دستفروشی بند کند یا خودش عصرها مشغول شود. اگر کارمند است، باید جنس بخرد و بفروشد یا پس اندازش را به ربح بدهد تا با حقوق ۱۰، ۲۰، ۱۵ هزار تومانی به زیر خط فقر که برای یک خانوار ۴ نفری رسماً ۱۸ هزار تومان و عملاً بسیار بیشتر است، نازل نکند. اگر معلم است، باید از درسی که در کلاس می‌دهد بدزد تا بتواند برای کلاس خصوصی شاگرد جمع کند، تازه اگر دستش به مشتریان مرفهی برسد که توان گرفتن معلم خصوصی برای فرزندان خود را داشته باشند. اگر پزشک است، باید مطبش را تجارتخانه کند. اگر مهندس است، باید دستی در بساز و بفروشی داشته باشد.

عواقب تصمیمات جدید

چند ماه پیش، دولت جمهوری اسلامی در تلاش برای بیرون آمدن از تنگنای شدید ارزی، طی یک سلسله تصمیمات چند مرحله‌ای، سیاست واردات معمول در سال‌های پس از جنگ را تغییر داد، بطوری که هر کس بخواهد جنسی از خارج وارد کند، باید درازای آن، کالا یا صادر

می‌فروشد. در همه سال‌های جنگ و پس از آن نیز اوضاع به همین منوال بوده است. کسی که پولی در دست و بال دارد، تقریباً دست به هر کسبی زده سود فراوان برده است، گرم که این کسب چیزی نباشد جز خریدن جنس و نگه داشتن آن. علیرغم همه پس و پیش‌های سیاست دولت، یک مؤلفه در این سیاست‌ها ثابت بوده که عبارتست از سودرسانی به اقلیتی به بهای فقیر تر شدن اکثریت مردم.

تکان می‌داد و باری هم نداشت که نتواند روی زانوی خود بگذارد. مسافر ایده‌آل یا باید همه این شرایط را می‌داشت یا فریاد می‌زد فلان جا چند صد تومان. الان هم گاه و بیگاه چنین مسافری به تور راننده می‌خورد، اما اینقدر مردم در خرج کردن محتاط شده و رقیب زیاد شده است که چاره‌ای جز رضایت دادن به هر مسافری نیست. برای اکثر مردم، تا کسی سوار شدن، حتی بطور غیر در دست هم یک تجمل است. حساب ساده‌ای است: اگر کسی که حدود ۱۵ هزار تومان حقوق دارد (حقوق متوسط یک کارمند جوان و دیپلمه دولت) بخواهد ۲۰ روز در ماه با تاکسی رفت و آمد کند، باید برای یک مسیر با طول متوسط در شهر تهران حدود ۲۰ درصد حقوقش را بگذارد. پس باید سوار اتوبوس شود. با اینکه در سال‌های اخیر، تعداد اتوبوس‌های شرکت واحد افزایش یافته است، این افزایش کفاف شمار عظیم مسافرانی را که چاره‌ای جز رفت و آمد با اتوبوس ندارند، نمی‌دهد. در ساعات پررفت و آمد صبح و عصر، صف‌های طولیل اتوبوس، هر کس را که امید واهی سوار شدن به اتوبوس بعدی را داشته باشد، ناامید می‌کند.

امکانات دولتی در خدمت یک اقلیت

دولت جمهوری اسلامی مدعی است که "خدمتگذار مستضعفین" است. این دیگر به ورد زبان رفسنجانی تبدیل شده که هر وقت می‌خواهد حذف سوبسیدها را توجیه کند، می‌گوید که از این سوبسیدها افسار مرفه سود می‌برند. امارتیس

بهای ارزهای خارجی همچنان روبه افزایش است

در دو هفته گذشته نرخ ارزهای خارجی در بازار آزاد همچنان روبه افزایش بود و بهای هر دلار آمریکا در پایان هفته گذشته تا سطح ۲۶۰ تومان رسید. پس از مدتی رکود در بازار آزاد ارز که بهای ارزهای خارجی تقریباً ثابت مانده بود، از یکماه پیش به این سویه تدریج روبه صعود گذاشته است. در فاصله این یکماه دلار آمریکا حدود ۲۰ تومان افزایش یافته است. افزایش نرخ ارز مستقیماً در افزایش بهای کالاها و مایحتاج عمومی تأثیر دارد و در چند هفته اخیر به موج تازه‌ای از گرانی‌ها منجر شده است.

وزارتخانه‌های صنایع و صنایع سنگین ادغام می‌شوند

مجلس شورای اسلامی در دو وزارتخانه صنایع و صنایع سنگین در هم ادغام شده و وزارت صنایع را تشکیل دهند. بر اساس این مصوبه اعتبارات وزارتخانه جدید از مجموع اعتبارات این دو وزارتخانه تامین خواهد شد. قرار است وزیر وزارتخانه جدید در همراه معرفی شود.

لایحه بیمه همگانی تصویب شد

مجلس شورای اسلامی در دو وزارتخانه صنایع و صنایع سنگین در هم ادغام شده و وزارت صنایع را تشکیل دهند. بر اساس این مصوبه اعتبارات وزارتخانه جدید از مجموع اعتبارات این دو وزارتخانه تامین خواهد شد. قرار است وزیر وزارتخانه جدید در همراه معرفی شود.

تاسیس شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری

تاسیس شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری سه بانک و چهار شرکت بیمه ایرانی یک شرکت بیمه جدید بنام شرکت سهامی بیمه صادرات و سرمایه گذاری تاسیس شد. با تاسیس این شرکت بعد از این صادرکنندگان کالا و سرمایه به خارج از کشور و ایرانیان مقیم خارج از کشور که می‌خواهند در ایران سرمایه گذاری کنند با کالای بی‌خطر نمایند می‌توانند از ضمانت این شرکت استفاده کنند. بگفته رئیس کل بیمه مرکزی ایران این شرکت در سه ماه آینده فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

... که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

کیهان هوایی و همان حرفهای کپک زده

فتاوی و هذیانهای یاد شده اما نتوانسته اند جمهوری اسلامی را در حل معضل موسیقی یاری دهند. از این روشها هم گاه و بیگاه پای مجتهدی یا فقیهی به میدان کشیده می شود تا شاید حرف روشن و محکمی در این باره بزنند و رژیم را از این بن بستنی که از تفکر و پاسگرایش ناشی می شود وارهاوند. در این راستا کیهان هوایی ۹ شهریور به سراغ آیت الله محمد ابراهیم جناتی از فقها و مدرسی صاحب نفوذ حوزه علمیه قم رفته تا شاید با فتاوی و افاضات وی روزی برای برون رفت از این بن بست گشوده شود و معضل موسیقی راه حلی بیابد. ایشان نیز اما از یکسو بر احکام پیشین پای فشرده و از سوی دیگر به توجیه شرعی و عقب نشینی هایی پرداخته که جامعه علیرغم میل رژیم به آن تحمیل کرده است. جناتی با نادراست خواندن حکم بسیاری از فقها و از جمله فقهای معاصر که ترجیح (غلتاندن صدادر گلو - چهجه) و طرب را حرام خوانده اند خود حکمی در میان می نهد که خواننده را به ابهام و گیجگری می بیند (موسیقی می اندازد: صدایی بی معنی است). حرام است که گلو یا گلو یا گلو یا گلو در مورد معنی لفظ و لغوی یاد توضیح دهد آن چه باطل باشد و انسان را از یاد خدا بازدارد، لهو است و آن چه بیهوده باشد، لغو خوانده می شود. مشکل این حکم البته آن نیست که لفظ و لغو معانی ناروشنی دارند و آنها را می شود هزار گونه تفسیر کرد، بلکه

حرام بودن آن نیز میان فقهای جمهوری اسلامی درگیری و اختلاف نظر وجود داشته و دارد، به گونه ای که مدبران و دولتیون گاه و بیگاه مجبور می شوند درباره موسیقی پخش شده از رادیو و تلویزیون به استفتا بپردازند. فقها هم که در تناقض قرار گرفته اند، از یکسو بخاطر جاه افتادگی موسیقی در جامعه نمی توانند آن را به کلی حرام اعلام کنند و از سوی دیگر از تفکیک دقیق حرام و حلال در این عرصه عاجزند. چرا که نه موسیقی و امکانات آن را می شناسند و نه ذهن خلاق هنرمند حاضر است به قیودات و حرفهای مذهبی آنان گردن نهد. اما فقها برای آنکه خود را از تک و تانیندازند و نیز برای دفاع از این ادعا که "اسلام برای هر سئوالی پاسخی دارد"، به صدور فتوا می پردازند، منتهی به گونه ای که خودشان هم سر از آن در نمی آورند. خمینی در یکی از فتوای خود به سال ۶۷ می گوید: "موسیقی مطرب حرام است، صداهای مشکوک - که مطرب بودن یا نبودن آنها مشخص نیست - مانعی ندارد و از موارد مفسده باید اجتناب شود. بیچاره مجری فتوا که اول باید موسیقی مطرب را مشخص کند، بعد سر از صداهای مشکوک در بیاورد و دست آخر هم معنای موارد مفسده را باز شناسد. آیت الله مشکینی نیز در پاسخ استفتای محمد هاشمی، مدیر عامل سابق رادیو - تلویزیون که نظر او را در مورد موسیقی حلال جوابی شده بود نوشت: "موسیقی حلال نه غمی می آورد و نه شوری می انگیزد، مثل آب روان." (؟)

همه ابعاد فاجعه آمیزش در نزد خمینی و سران رژیم همچون رحمتی الهی تلقی می شد. تنها زمانی که رهبران رژیم رشد فزاینده جمعیت را برای بقای خود نیز خطرناک یافتند به فکر مهار آن افتادند، آن هم زمانی که بسیاری از فرصت ها و امکانات از دست رفته بود. ستیز و سپس عقب نشینی رژیم در مورد شطرنج و ویدئو نیز مثالهایی دیگر در این زمینه است و این داستان اکتیون در مورد ماهواره، در حال تکرار است. در واقع یکی از خصلت های ثابت حکومت اسلامی با فشاری و اصرار بر معیارهای متحجر و نامعاصر خویش و تداوم آن تا بحرانی ترین لحظه است. این خصیصه البته کم و بیش مشخصه همه حکومت های ایدئولوژیک و توتالیتر است، لیکن در مورد جمهوری اسلامی از آنجا که ایدئولوژی اش ریشه در قهر تاریخ و ۱۴۰۰ سال پیش دارد و با علم و تجربه های بشر معاصر تقریباً بیگانه است، مسئله شدت و وحدتی کم نظیر می یابد.

موسیقی حلال باید مثل آب روان باشد

کارنامه جمهوری اسلامی در برخورد با موسیقی نیز به همین منوال است. با قدرت گرفتن این رژیم تقریباً تمامی دستاوردهای موسیقی تا سال ۱۳۵۷ به باگانی سپرده شد و موسیقی دژ رادیو و تلویزیون به سرودهای جنگی، مرثیه وار و حزن آلودی منحصر شد که بر سر حلال یا

زنجیرهای گرانی که جمهوری اسلامی بر حیات سیاسی و فرهنگی جامعه بسته است روزه روز در رویارویی با نیازها و ضرورت های زمانه سست و بناگذازمی شود و فقها و کارگزاران رژیم برای آنکه از روند و شتاب ناخواسته امروز عقب نیافتند، پیوسته توجیهاتی از آستین بیرون می آورند و تمکین خود به فشار و ملزومات روز را خامه شرعی می پوشانند. اینک ۱۵ سال است که نوزادان رژیم گاه و بیگاه زیر فشارهای برخاسته از نیازها و تحولات سیاسی و فرهنگی در حال لغو و بازپس گرفتن برخی از معیارهای زشت و متحجرانه ای هستند که در سالهای اول پس از انقلاب و با سوء استفاده از اعتماد عمومی و با عنوان پاسداری از دین و مذهب به جامعه و مردم تحمیل کرده بودند.

ایستادگی تا لحظه آخر

خمینی در ماههای پس از به دست گرفتن قدرت اقتصاد را مال خرنامید، ولی چه در زمان خود وی و چه پس از مرگش نارضایتی مردم از اوضاع اقتصادی به قدری بوده که هول به دل کارگزاران رژیم انداخته و نظرات و شورشهای دو، سه سال اخیر کردن ترین آنها را هم از این حرف به فاصله گیری واداشته است. جنگ که خمینی هدیه الهی اش خوانده بود و بنا داشت آن را تا فتح قدس ادامه دهد، آنچنان او را رژیمش را در تگنا قرارداد که مجبور شد از آن هدیه چشم ببوشد و جام زهر قبول آتش پس را در حلقم خود فروریزد. رشد بی رویه جمعیت با



پس از ۱۹ سال صدای خواننده محبوب لبنانی دوباره بر فراز بیروت طنین انداخت

بخش برای برقراری صلح در لبنان، هفته گذشته فیروز به بیروت بازگشت و در کنسرتی عظیم و کم سابقه خواندن را از سر گرفت و امیدها به پایان یک دوره طولانی غم انگیز در زندگی ملت لبنان را تقویت کرد. در کنسرت هفته گذشته فیروز حدود ۱۰۰ هزار نفر از جمله تمام اعضای دولت لبنان و الیاس هرازی رئیس جمهور لبنان شرکت داشتند.

۱۹ سال پیش به هنگام آغاز جنگهای خونین و ویرانگر داخلی لبنان، فیروز خواننده زن لبنانی که معروف ترین و محبوب ترین خواننده جهان عرب است، سوگند یاد کرد تا زمانیکه صلح و آرامش به کشورش بازنگردد، آواز نخواهد خواند. او سپس لبنان را ترک کرد و در تمام این مدت به سوگند خود وفادار ماند. با روشن شدن چشم اندازهای امید

برندگان جشنواره سینمایی ونیز

جشنواره سینمایی امسال ونیز (ایتالیا) روز دوشنبه ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریور) به کار خود پایان داد و میلخو مانخوسکی از مقدونیه و تسای مینگ لیانگ از تایوان برندگان جوایز اصلی جشنواره (شیر طلایی) شدند. مانخوسکی با فیلم "پیش از باران" و مینگ لیانگ با فیلم "زنده باد عشق" به جشنواره آمده بودند. پیش از باران نمایشی است از زمینه ها و نمودهای نفرت و درگیریهای قومی در یوگسلاوی و زنده باد عشق خلا زندگی سه جوان را در ابعادی گزافگونه در تایپه مدرن امروز (پایتخت تایوان) به تصویر کشیده

است. جایزه مخصوص جشنواره به "الیور استون" (سازنده فیلم "ج. اف. کندی") تعلق گرفت. شیرهای نقره ای جشنواره را کارلر ماتسا کوراتی از ایتالیا به خاطر فیلم "ابل تورو و جیمز گری" از آمریکا بخاطر فیلم "ادسای کوچک" و پتر چاکسون از ژلانده به خاطر فیلم "موجودات آسمانی" تصاحب کردند. در جشنواره امسال ونیز مجموعاً ۱۹ فیلم از ۱۴ کشور در رقابتها شرکت داشتند. از ایران هیچ فیلمی به جشنواره راه نیافته بود.

۵۴۵ صفحه با پیشگفتار دکتر عباس میلانی

هیچ نویسنده امروزی از قبل نمی تواند داستانی را که می نویسد و یا قصد نوشتنش را دارد در ذهن خود فرموله کند. اثر در حین نوشتن است که خود را می گستراند و به پیش می رود. اما چارچوب اولیه من برای این رمان اساطیر سومربوند که قصد داشتم آن ها را بشکافم. و گر نه حتی بعضی از شخصیت های داستان در طول نوشتن پدید آمدند بدون آن که از قبل حضوری داشته باشند. به عنوان مثال شخصیت پدر بزرگ. آن جانی که زن قهرمان داستان خسته و مرده پشت در خانه شان می رسد که در خانه شان هیچ کس نبود، به این فکر افتادم که خوب، چه کسی در راه روی او باز می کند؟ پدر بزرگ را ساختم و این پدر بزرگ در روند داستان به یک شخصیت اصلی با کاراکتر خاصی خودش در رمان حضور پیدا کرد.

عقل آبی کنکاشی است جستجوگرانه و موشکافانه در فقر بشر. روح جمعی ایرانیان است که در فقر هر فرد ایرانی حضور دارد. پارسایی پور در این کتاب به عواملی پرداخته است که نسل امروز ایرانی را به وجود آورده است. اساطیر باستانی، تصوف، شریعت و طریقت، حافظ، حمله ترکان سلجوقی و غزنوی و... حمله مغول، انقلاب مشروطیت، تختی، سپهری، آل احمد، فروغ فرخزاد، جنگ ایران و عراق، اساطیر چین باستان و یونان، مذاهب مسیحیت و اسلام، جغرافیای ایران و بی بی و بیابانی آن و مهاجرت های بی رویه از روستا به شهر و تغییر ترکیب شهرها و

در اتاق نگهبان شب که باز شد

در که باز شد سروان اخم کرد. زنی پوشیده در جادرسیه روبرویش ایستاده بود. سروان سرش را پایین انداخت و به نوشتن گزارشش ادامه داد. اندیشید، روسی! حوصله نداشت سر بلند کند. شب های زیادی همینطوری به هدر رفته بود. آدم هایی که می آمدند و از ساعت ده شب تا چهار صبح ور می زدند. بعد معلوم می شد روسی اند، یا اندازند، معتادند، ابله اند، دیوانه اند، نیمه شب دیگ

معرفی کتاب: عقل آبی

نویسنده: شهرنوش پارسایی پور محل تاریخ نگارش: رامسر - آبان ۱۳۶۸ ناشر: نشر زمانه، خرداد ۷۳ آمریکا

Zamaneh Publishers
412E, Santa Clara - San Jose
CA 95113, USA
Tel.: (408) 297-1000
Fax: (408) 297-1057



در معرفی یک کتاب تازه

عقل آبی

سروان با کنجکاری و حالت انتظار نگاه کرد. جوان بود، اما خسته. یک ماه شب پنجم به گردشش بود و سنگینی زنجیر آن را احساس می کرد. زنش از بیماران می ترسید. دوبچه داشت، دو قلو چهل روزه. مدت ها به این اندیشیده بود برود در بیابانی سوراخی بکند و زن و بچه اش را در آن سوراخ پنهان کند. فقط نمی دانست چگونه باید جریان آذوقه را به آن جا حفظ کند تا آن ها نمیرند. با خودش اندیشید، چه حماقتی، اگر می دانستیم زن و بچه راه نمی انداختم.

مشکل به همین جا ختم نمی شود. بدبختانه مادر روی کمر بندی زندگی می کنیم که بخش اعظم بیابان های جهان را در بر می گیرد. بنابراین ما نمی توانیم به اندازه کافی خود را تکثیر کنیم تا هنگامی که قبیله تازه نفس، اما وحشی، از راه می رسد او را متوقف کنیم. سپس آرام آرام خود حل کنیم و به همراه هم بیاموزیم، بلکه ما نودونه درصد موارد در برابر تازه از راه رسیده خم می شویم و تسلیم را می پذیریم. چرا؟ چون به دلیل کمبود آب مجبوریم در واحه های کوچک زندگی کنیم. اما این کمبود آب به اندازه کمبود آب در مغولستان یا عربستان نیست تا ما سنت شکار را حفظ کنیم و عصیبت قبیله ای در هنگام مبارزه به کارمان بیاید. بلکه به دلیل چند جویبارونه کوچک و قنات هایی که به مرور می سازیم مجبوریم به حالت خمش و تواضع کتاووزانه روی بیاوریم و به مرور بیاموزیم که تازه وارد لا جرم خواهد آمد، بنابراین از خود او گزلی علی غله خود او به وجود بیاوریم. منتهی در روند طبیعتی، کند و تلخ این رویداد، مادر خود فرو می ریزیم و تمام استعداد های مان را مخفی می کنیم، چون به محض آن که تازه وارد از راه برسد و بفهمد که ما دارای استعداد کی هستیم بلافاصله طرق بردگی را بر گردن مان می اندازد. زن ها را نیز سبیل الله، به عنوان مال ناطق به همراه می برد. ص ۱۳۲ سخن را به دراز نکشیم. این رمان با نگرش جامعه شناسانه و زنانه بسیار دلنشین نگاشته شده و همان طور که پارسایی پور خود معتقد است شاهکار اوست ما هم همصدا می گوئیم شاهکاری است که جریان سیال ذهن را توانسته است به نحو مطلوبی در جامعه ایران و برای شناخت گوشه هایی از جامعه به کار گیرد و زمانی شاید ابدی در دست باشد.

خشتی می کرد. چشم های سروان ناگهان برق زد. خیلی از این فکر خوشش آمده بود. ناگهان حس کرد یک کینگ کونگ حقیقی توی دلش ورجه و ورجه می کند، بی اختیار لبخند زد، بعد برای آن که روی زن زیاد نشود لبخندش را فرو خورد و پرسید، "فرمایشی داشتید؟" و چند شب متوالی از اول شب تا بامداد بماند شهرزاد قصه گو این زن برای جناب سروان صحبت می کند و جناب سروان را همراه خود به زندگی مردم و به دنیای اساطیری و به جهان دیروز و امروز می برد و تمامی انباشته های ناخود آگاه جمعی و فردی یک ملت را می شکافند، به بیرون می ریزند و به بررسی آن ها می پردازند. هزارویک شب و آرقصه در قصه، درد در درد، تاریخ در تاریخ، مرگ در مرگ و زندگی در زندگی است که در طول داستان طی می شود. از آن جانی که نویسنده "عقل آبی" یک زن است و قهرمان داستان هم یک زن، نوع نگرشی که پارسایی پور در این رمان نسبت به جامعه و مردم دارد نگرشی زنانه و بدیع است. در تاریخ مذکر ایران چنین نگرش هایی انگشت شمار هستند. و این کتاب فرصتی است دیگر بار برای ترک برداشتن آن تاریخ مذکر. زن رمان، همان پارسایی پور است بدون کم و کاست و شاید به، شاید نه. روسی نیست. نجیب؟ شاید به، شاید نه. روسی نیست. نجیب؟ زن چادر را بی هوا دور خودش پیچیده بود. معلوم بود چادری نیست. سروان پرسشش گزنگاهش کرد، اما پیش از آن که سزالی طرح کند یا زن حرفی بزند ناگهان بمب ترکید. صدای انفجار چنان شدید بود که زن و سروان بی اختیار تکان خوردند. زن بی اراده گفت، "آه خدایا، کاش یک کینگ کونگ داشتیم می پرید هوا، پیش از آن که موشک ها زمین بخورند همه شان را"

نگاهی به طرح جدید آموزشی

برای اجرای نظام جدید باید امکانات را آماده کرد

● آموزش و پرورش باید سالانه ۲۵ هزار کلاس بسازد

● فضای تربیتی برای هر دانش آموز در ایران ۱۴ سانتی متر مربع است

با فرارسیدن پانزدهمین سالگرد تأسیس آموزش عالی در ایران، نگاه به گذشته و آینده نظام آموزشی کشور، موضوعی است که در ذهن بسیاری از مدیران و معلمان کشور بیدار شده است. در این مقاله به بررسی وضعیت فعلی نظام آموزشی کشور و چالش‌های پیش رو می‌پردازیم. در سال ۱۳۵۷، نظام آموزشی کشور با تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز عالی‌تحصیلی، وارد مرحله جدیدی از تحول و توسعه گام برداشت. در آن زمان، هدف اصلی از تأسیس مراکز عالی‌تحصیلی، تربیت نیروی انسانی متخصص و پرورش کادری بود که بتواند در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور خدمت کند. در آن زمان، ساختار نظام آموزشی کشور، عمدتاً بر مبنای نظام سنتی و مکتبی بنا شده بود. در این نظام، دانش‌آموزان پس از اتمام دوره دبستان و متوسطه، وارد مراکز عالی‌تحصیلی می‌شدند و در آنجا، علاوه بر تحصیل، به پرورش روح و تربیت اخلاقی نیز می‌پرداختند. در آن زمان، فضای آموزشی کشور، عمدتاً متمرکز بر تئوری و حفظیات بود و به ندرت به جنبه‌های عملی و مهارتی توجه می‌شد. در آن زمان، روش تدریس، عمدتاً سخنرانی و تکرار بود و به ندرت به روش‌های فعال و مشارکتی توجه می‌شد. در آن زمان، ارزشیابی، عمدتاً بر مبنای امتحانات کتبی و حفظیات انجام می‌شد و به ندرت به روش‌های کیفی و عملکردی توجه می‌شد. در آن زمان، فضای فیزیکی مراکز عالی‌تحصیلی، عمدتاً فاقد امکانات مدرن و تجهیزات لازم برای تدریس و یادگیری بود. در آن زمان، فضای فیزیکی مراکز عالی‌تحصیلی، عمدتاً فاقد امکانات لازم برای پرورش و تربیت دانش‌آموزان بود. در آن زمان، فضای فیزیکی مراکز عالی‌تحصیلی، عمدتاً فاقد امکانات لازم برای پرورش و تربیت دانش‌آموزان بود.

هیچ دانش آموزی به خاطر نابرابری در نمره قبولی در یک یا چند واحد درسی مجبور نیست همه دروس یک ساله را تکرار کند. رشته جدید در این نظام ظاهراً شاخه کار و دانش است. رشته‌ای که در نظام آموزشی برخی کشورهای اروپایی با عنوان "سیستم دوگانه" معروف است. در این سیستم، دانش آموز و به عبارت دقیق‌تر "کارآموز" دروس تئوری را در مدرسه و عملی را در محیط کار (کارخانه، مزرعه، شرکت‌ها و موسسات خدماتی) یاد می‌گیرد. در طرح پیش‌بینی شده است که هنرستانهای فنی و حرفه‌ای در جوار کارخانه‌ها تأسیس شوند. تأمین بودجه و اداره آن بر عهده کارخانه باشد و آموزش و پرورش فقط مسئول تأمین کادر آموزشی آنهم برای دروس عمومی باشد. آموزش دوره اختصاصی و وظیفه مربیان کارخانه یا موسسه خدماتی مفروض است. بر اساس ماده ۳۰ بند ۳، مصوبه هیات دولت حتی واحدهایی که به شیوه "استاد شاگردی" فعالیت می‌کنند مجاز به تربیت دانش آموزان شاخه کار و دانش هستند. دانش آموزان این رشته متعهد می‌شوند در قبال هزینه آموزشی، چند برابر سال‌های تحصیلی برای کارخانه و یا موسسه‌ای که در آن آموزش عملی دیده‌اند، کار کنند. طراحان نظام جدید آموزشی می‌گویند هدف از ایجاد شاخه "کار و دانش" تربیت نیروی انسانی نیمه ماهر، ماهر، استاد کار و سرپرست مورد نیاز در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات است. همین هدف را قرار بود "طرح کاد" که از سال ۱۳۶۱ تاکنون در مدارس اجرا شده تأمین کند و دانش‌آموزانی را که نتوانسته‌اند به دانشگاه راه یابند، با توجه به فن و حرفه‌ای که طی دوره تحصیل آموخته‌اند، قابل جذب بازار کار باشند. حاصل، تبدیل دانش آموز به پادوی استاد کار و کارگر در محیط کار شد.

ارزیابی طرح تازه نشانگر آن است که علیرغم تبلیغات رژیم، در نظام جدید آموزشی تغییرات اساسی به تقلیل دوره آموزش متوسطه از چهار سال به سه سال و واحدی شدن دروس و تغییر نام برخی رشته‌های تحصیلی و یادآغام آنها محدود شده است. در این طرح جایگاه دوره پیش‌دبستان، دبستان و راهنمایی به اصولاً می‌بایستی بنیان تغییرات نظام آموزشی بر آن متکی باشد تا روشن است و یابنا به اظهار برخی مسئولان آموزشی جمهوری اسلامی حتی عمد بر آن بوده که "تغییرات در سطح دبیرستانها محدود باشد. چون امکان صرفه جویی بیشتر و سریع‌تر فراهم است.

حاکم و محدودیت اختیارات مدیران با صلاحیت و متخصص، افت کمی و کیفی آموزشی... هر یک به نوبه خود سدر راه کوچکترین تحول مثبت است. به اعتراف وزیر آموزش و پرورش با امکانات و بودجه موجود حتی ادامه کار آموزش و پرورش ممکن نیست. به نظر طراحان نظام جدید آموزشی، با اجرای سیستم واحدی، ترک تحصیل و افت تحصیلی در دوره متوسطه نسبت به نظام آموزشی کنونی کمتر خواهد شد. در شرایط فعلی آموزش و پرورش به طور متوسط با ۱۵ درصد افت تحصیلی روبروست. افت تحصیلی در دوره متوسطه در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ بیش از ۲۸ درصد بوده است و در میان دانش آموزان کلاس چهارم دبیرستان ۷۲ درصد. یعنی از هر ۱۰ نفر که برای اخذ دیپلم معرفی شدند، ۷۲ تن ناموفق بودند. در این سال بیش از یک میلیون دانش آموز ترک تحصیل کردند و بیش از ۲/۵ میلیون دانش آموز نتوانستند به کلاس بالاتر راه یابند. زبان مالی ناشی از افت تحصیلی فقط در سال ۷۰، گفته دکتر سپهری یکی از مسئولان آموزش و پرورش، ۳۱ میلیارد تومان بوده است و بنا به گزارش‌های غیر رسمی دقیق‌تر ۷۵ میلیارد تومان. راه حل آموزش و پرورش برای کاهش نرخ افت تحصیلی کار بست طرح‌هایی بود که با اجرای آن اگر چه شمار مردودین کمتر شد اما کیفیت دانش و آموخته‌های دانش‌آموزان از بیشتن تنزل کرد. طرح جبرانی و سیستم واحدی صرف نظر از برخی نکات مثبت آن نمونه‌ای از این راه حل هاست. طرح جبرانی از سال ۷۱ همزمان با اجرای آزمایشی طرح جدید آموزشی به اجرا گذاشته شد. بر اساس طرح جبرانی به دانش آموزان تجدیدی فرصت داده شده است که در مرداد ماه در امتحانات شرکت کنند و در صورت قبولی به کلاس بالاتر روند و اگر قبول نشوند مجدداً بخت خود را در امتحانات شهریورماه بیازمایند. ذینفع بودن دانش آموز، آموزش و پرورش و معلم برای قبولی بدانجا کشید که بسیاری از معلمان ناخواسته و تحت فشار وزارت آموزش و پرورش فعالیت خود را بر روی نمونه سوالهای امتحانی متمرکز کردند و کیفیت آموزش را به نازلترین سطح تنزل دادند. با این هدف که کمیت افت تحصیلی چشمگیر نباشد و هزینه آموزش مجدد دانش آموزی بردوش آموزش و پرورش بار نشود.

مشکلاتی که طرح تازه با آن مواجه است به نظر برخی کارشناسان آموزشی، کمبود فضای آموزشی نقش مؤثری در افت کمی و کیفیت تحصیلی دارد. دانش آموزی که در کلاس ۴۰ تا ۶۰ نفری و در شیفت دوم یا سوم درس می‌خواند نمی‌تواند درس را خوب فراگیرد چون در چنین کلاسی هم دانش آموز خسته است و هم معلم. به گفته محمد حسین توکلی مدیر کل آموزش و پرورش تهران در سال تحصیلی گذشته در منطقه رباط کریم شهریاری یعنی بیخ گوش تهران، مدارس ۵۰۶ شیفتی بودند. محدودیت فضای تربیتی و فرهنگی از این هم بدتر است. به

افت تحصیلی
وراه حل آموزش و پرورش

در حال حاضر آموزش و پرورش با دهها کاستی حاد مواجه است. هر گونه اصلاح مستلزم آن است که فضای نظام آموزشی دمکراتیزه شود، امکانات فنی تأمین گردد، مواد آموزشی با نیازها و ویژگی‌های دانش آموزان منطبق باشد و کمبودها رفع شود. کمبود بودجه، کمبود پرسنل مجرب آموزشی به ویژه در رشته‌های فنی و حرفه‌ای، کمبود فضای آموزشی، جو غیردمکراتیک

نوشته ماهنامه گزارش هر کودک و نوجوان ایرانی فقط از ۱۴ سانتی متر مربع فضای تربیتی برخوردار است. اگر آموزش و پرورش بخواهد به حداقل استاندارد های مربوط به فضای آموزشی نزدیک شود بایستی هر سال ۲۵ هزار کلاس یعنی روزانه ۴ مدرسه قابل بهره‌برداری بسازد. حال آنکه به گفته دکتر سپهری این وزارتخانه قادر به ساختن ۱۲ هزار کلاس در سال است. بر اساس ارزیابی دیگری باید تا سال ۱۳۸۰ نصف کل اعتبارات عمرانی کشور فقط صرف مدرسه سازی شود تا نیازهای آموزشی کشور تأمین گردد. در برنامه پنج ساله جمهوری اسلامی که اخیراً به تصویب رسید، چنین بودجه‌ای پیش‌بینی نشده است.

بودجه واقعی آموزش و پرورش از کل بودجه سالانه دولت ۴۰ تا ۲۵ درصد است. این رقم شامل هزینه‌های جاری، عمرانی و آموزشی است. از ۲۵ درصد کل بودجه آموزش و پرورش ۹۰ درصد به حقوق کارکنان اختصاص دارد. یعنی در عمل از کل بودجه فقط حدود ۵ درصد بودجه قابل هزینه در اختیار آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش باید با ۵۵ درصد بودجه زمین بخرد، مدرسه بسازد، اجاره بپردازد، وسایل کمک آموزشی تهیه کند، به فکر تهیه وسائل رفاهی و پرورشی باشد، پرسنل اداری و آموزشی تربیت کند، در مدارس نمازخانه بسازد و آخرالامر طرح بدهد و کیفیت نظام آموزشی را تغییر دهد و صرفه جویی را فراموش نسازد. بر این وضع به تازگی مهاجرت معلمان و مربیان آموزشی از بخش دولتی به موسسات آموزشی خصوصی نیز افزوده شده است. از زمانی که تأسیس مدارس خصوصی و به اصطلاح "غیرانتفاعی" از سوی مجلس جمهوری اسلامی مجاز شناخته شده، دسته، دسته معلمان با تجربه آموزش و پرورش شاغل در مدارس دولتی جذب این گونه مدارس شده‌اند. روند کاهش معلمان مجرب و گرایش آنان به همکاری با بخش خصوصی رویه فزونی است و آموزش و پرورش قادر نیست نیروی از دست رفته را در کوتاه مدت تربیت و جبران کند. آموزش و پرورش با حفظ معلمان فعلی سالانه به بیش از ۱۱ هزار معلم تحصیل کرده دانشگاهی جهت آموزش در دوره متوسطه نیاز دارد. اما بودجه و امکانات آن محدود به تربیت و استخدام ۷ هزار لیسانسیه است و سالانه با کمبود ۴ هزار دبیر مواجه است.

دولت امیدوار است با اجرای نظام جدید آموزشی از بار مشکلات مالی و اجتماعی خود بکاهد. تعجیل دولت بر اجرای سریع نظام جدید، واحدی کردن دروس و کاهش دوره آموزش متوسطه بدون رفع مشکلات فعلی دلالتهای آن دارد که برای جمهوری اسلامی دست‌یابی به صرفه جویی بیشتر مهم‌تر از تغییر اساسی نظام آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش بوده است. یقیناً با واحدی شدن دروس و کاهش دوره تحصیل هزینه‌های آموزشی کمتر خواهد شد. اما این روش متضمن بهبود کیفیت آموزشی و غلبه بر بحران آموزش و پرورش نیست. طرح جدید اگر دارای نکات مثبتی هم باشد هدف اقتصادی رژیم امکان تأثیر آن را از بین می‌برد.

متخصصین بیمارستان "جست" لندن در کنگره جهانی قلب که هفته دوم سپتامبر در برلین برگزار شد با استناد به تحقیقات خود در مورد ۶۳۳ مورد سکته قلبی اعلام کردند که خطر ابتلا به این عارضه در زمستان بیشتر از فصل گرماست. به گفته این متخصصین میزان سکته در روزهای سرد تابستان نیز بیشتر از روزهای عادی این فصل است. در مورد علت این امر متخصصین فوق هنوز نتوانسته‌اند به نتیجه‌ای برسند و پژوهش‌های آنها کماکان ادامه دارد. این نظر که مصرف گوشت ماهی نسبت به گوشت ماکیان و پستانداران بخاطر میزان کمتر چربی‌های مضر در آن امکان ابتلا به تنگی عروق را کاهش می‌دهد مورد بررسی بیشتر قرار گرفت. دانشمندان فلانندی با ارائه گزارشی تحقیقی به کنگره فوق نشان دادند که شرق فلانند به رغم آنکه ماهی‌های اصلی مردم آن را تشکیل می‌دهد، بالاترین میزان سکته قلبی در جهان را داراست. دانشمندان یاد شده علت را در مقدار بالای جیوه در بدن پاره‌ای از انواع ماهی‌ها می‌دانند.

افزایش خطر سکته قلبی در سرما

کامپیوترهای گویا و شنوا
کارخانه‌های کامپیوتر سازی جهان رقابت سخت و فشرده‌ای را برای تولید و عرضه کامپیوترهای گویا و شنوا آغاز کرده‌اند. به گفته بسیاری چنین کامپیوترهایی در سالهای آینده بازار جهانی را به اشغال خود در خواهند آورد. در آمریکا هم اکنون کامپیوتری در عرصه پزشکی به کار گرفته شده که تنها با دست‌ورهای شفاهی می‌توان آن را هدایت کرد. برای مثال پزشک جراح شفاها به کامپیوتری که هدایت میکروسکوپ جراحی را به عهده دارد فرمان می‌دهد که به کدام سو بچرخد و روی کدام نقطه متمرکز شود.

حسرت‌های علمی

نتیجه آخرین پژوهش‌ها درباره سوراخ اوزونی جو

ابتدا بزرگتر خواهد شد، بعد ربه انسداد خواهد رفت

اگر همه کشورهای به رعایت مقررات محیط زیست وفادار بمانند سوراخ اوزونی جو ظرف ۵۰ سال آینده مسدود خواهد شد و زمین دیگر در معرض تشعشعات خطرناک و سرطان زای خورشید قرار نخواهد داشت. این پیش‌بینی حاصل پژوهش‌های مشترک "سازمان بین‌المللی هواشناسی" و برنامه محیط زیست سازمان ملل است که در آن مجموعاً ۲۲۶ دانشمند از ۲۹ کشور جهان شرکت داشته‌اند و قرار است که تا پایان امسال به صورت کتاب انتشار یابد.

اوزون (O₃-اکسیژن سنگین) در استراتوسفر (گستر سپهر) جو لایه‌ای را می‌سازد که مانع از رسیدن اشعه ماوراء بنفش خورشید به زمین است. دانشمندان در اوایل دهه هفتاد بر فراز قطب جنوبی زمین سوراخی در لایه اوزون کشف کردند که از آن زمان تا کنون پیوسته بزرگتر شده است. تخریب لایه اوزون بیش از همه به مصرف گاز کلروفلورو کربور می‌گردد که عمدتاً در یخچالها و دستگاه‌های تهویه و یاقوطی‌های عطرو اساسی فشاری به کار گرفته می‌شود. متیل رومید، هالونها و بنزین سرب دارو گازها و گدازه‌های آتشفشانها از دیگر عوامل تخریب اوزون هستند.

سال ۱۹۸۷ در مونترال کانادا برای جلوگیری از تخریب بیشتر لایه اوزون جو پروتکلی به امضا کشورهای مختلف رسید که سال ۱۹۹۲ با یافته‌های جدید علمی تکمیل تر شد. کشورهای امضا کننده متعهد شده‌اند که مرحله به مرحله در جهت جایگزین کردن کلروفلورو کربور با مواد سرمازای دیگر اقدام کنند. این تصمیم تا حدود زیادی جنبه عملی پیدا کرده و اینک برای مثال در بسیاری از کشورها در ساختن یخچال از گازهای بی‌خطر پروپان و بوتان استفاده می‌شود.

بر اساس پژوهش یاد شده گرچه از بخش کلروفلورو کربور در جو کاسته شده، لیکن با توجه به مصرف گازهای دیگر و نیز فوران آتشفشان پیناتو (فیلیپین) در سال ۱۹۹۱ بیشترین تمرکز مواد نابود ساز اوزون در جو در سال ۱۹۹۸ روی خواهد داد و از آن پس ربه کاهش خواهد نهاد. اما از آنجا که عمر کلروفلورو کربور به پنجاه سال می‌رسد، لذا تا پنجاه سال دیگر این ماده در جو خواهد بود و تازه آن گاه است که لایه اوزونی جو امکان ترمیم کامل خود را خواهد یافت و سوراخ آن مسدود خواهد شد.

کشف اخترنماها و شناخت بیشتر از منشاء کیهان

اخترشناس استرالیایی خانم "راشل وبستر" اخیراً اخترنماهای سرخ رنگی را در فضا کشف کرد که میباید سال نوری از زمین فاصله دارند. سال نوری به مسافتی گفته می‌شود که نور در یک سال می‌پیماید. به عبارت دیگر سال نوری معادل ۹/۴۶۱ بیلیون کیلومتر است. وبستر در کنگره جهانی اخترشناسان در لاهه (هلند) ضمن تشریح کشف خود اعلام کرد که این اجرام آسمانی اسرار آمیزی توانند بشر را در تبیین مرحله اولیه پیدایش کیهان یاری دهند. اخترنماها (Quasars) از دورترین جسم‌های کیهانی هستند که پرتوهای نوری پیوسته‌ای می‌افشاند. پرتوهای که اینک به ما می‌رسند میلیاردها سال پیش متشعشع شده‌اند و مطالعه کیفیت آن‌ها می‌تواند تا حدودی روشنگر وضعیت اولیه کیهان باشد.

اخترنماهای آبی در دهه ۶۰ کشف شدند، لیکن کشف اخترنماهای سرخ اخیراً و با کمک یک دوربین مجهز به اشعه مادون قرمز انجام پذیر شده است. به نظر کیهان‌شناسان سرخ رنگی پرتوهای اخترها بر وجود غبارها و اجرام فراوان دیگری میان آن‌ها و زمین دلالت دارد. به گفته وبستر این امر نشان می‌دهد که کیهان انباشته تراز آن است که تا کنون تصور می‌شد.

افزایش خطر سکته قلبی در سرما

متخصصین بیمارستان "جست" لندن در کنگره جهانی قلب که هفته دوم سپتامبر در برلین برگزار شد با استناد به تحقیقات خود در مورد ۶۳۳ مورد سکته قلبی اعلام کردند که خطر ابتلا به این عارضه در زمستان بیشتر از فصل گرماست. به گفته این متخصصین میزان سکته در روزهای سرد تابستان نیز بیشتر از روزهای عادی این فصل است. در مورد علت این امر متخصصین فوق هنوز نتوانسته‌اند به نتیجه‌ای برسند و پژوهش‌های آنها کماکان ادامه دارد. این نظر که مصرف گوشت ماهی نسبت به گوشت ماکیان و پستانداران بخاطر میزان کمتر چربی‌های مضر در آن امکان ابتلا به تنگی عروق را کاهش می‌دهد مورد بررسی بیشتر قرار گرفت. دانشمندان فلانندی با ارائه گزارشی تحقیقی به کنگره فوق نشان دادند که شرق فلانند به رغم آنکه ماهی‌های اصلی مردم آن را تشکیل می‌دهد، بالاترین میزان سکته قلبی در جهان را داراست. دانشمندان یاد شده علت را در مقدار بالای جیوه در بدن پاره‌ای از انواع ماهی‌ها می‌دانند.

کامپیوترهای گویا و شنوا

کارخانه‌های کامپیوتر سازی جهان رقابت سخت و فشرده‌ای را برای تولید و عرضه کامپیوترهای گویا و شنوا آغاز کرده‌اند. به گفته بسیاری چنین کامپیوترهایی در سالهای آینده بازار جهانی را به اشغال خود در خواهند آورد. در آمریکا هم اکنون کامپیوتری در عرصه پزشکی به کار گرفته شده که تنها با دست‌ورهای شفاهی می‌توان آن را هدایت کرد. برای مثال پزشک جراح شفاها به کامپیوتری که هدایت میکروسکوپ جراحی را به عهده دارد فرمان می‌دهد که به کدام سو بچرخد و روی کدام نقطه متمرکز شود.

در پیوند با کنفرانس جهانی جمعیت و توسعه

مهار رشد جمعیت

با کدام اهداف و چه شیوه‌هایی؟

ح. نیک‌داوری

نسل امروزه از نسل فردا امکان یک زندگی آبرومند و احترام آمیز سلب نشود. ما امروز نباید بگذاریم کسی گرسنه بماند، لیکن در عین حال نباید ما به ما و امکانات زندگی نوه‌های مان را هم به هدر دهیم. هم اینک انسان‌های ساکن کمربند فقر زمین نسبت به والدین خویش فرزند کمتری تولید میکنند. تجربه پیش از سی سال کنترل جمعیت حاکی از آن است که بدون اجبار و مقررات شدیدی هم می‌توان شمار زاد و ولد را کاهش داد. موفقیت‌های پیش از همه در جاهایی به دست آمده‌اند که: یک- سیاست توسعه عادلانه اجتماعی و مبتنی بر رفح نیازهای اساسی مردم، از مرگ و میر کودکان و نوزادان کاسته است،
 - نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان تقویت شده است،
 - سیاستمداران و اولیا امور با شیوه‌ها و سیاست‌های درست و مسئولانه خویش در میان مردم امید و اعتماد برانگیخته‌اند،
 - وسائل پیشگیری از بارداری و اطلاعات آزاد و کافی درباره چگونگی استفاده از آنها در دسترس عمومی قرار گرفته است.

سیاست جمعیتی اخلاقاً درست که هدفش

کاهش زاد و ولد باشد، تنها می‌تواند آن

تلاش‌هایی را در برگیرد که سرشت و خصیصه

انسانی دارند، برای همه انسانها حرمتی یکسان

قایلند و متضمن کاهش رنج‌ها و بی‌عدالتی‌ها و

تحقق شانس‌های بهتری برای تداوم زندگی‌اند.

کاستن از نرخ رشد جمعیت با اتکا به توسعه و پیشرفت‌های سیاسی - اجتماعی بسیار اخلاقی‌تر از کاربرد اجبار دولتی و یا دخالت‌های بوروکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها در مورد تولید مثل است، زیرا آنجا که برای مثال سقط جنین و یا عقیم‌سازی اجباری فرد آزادی وی در مورد تعیین تعداد فرزندانش خویش را محدود میکند در اصل حقوق بشر نقض می‌شود. برنامه‌های تنظیم خانواده‌ای که برخلاف میل زنان و مردان به اجرا گذاشته شده‌اند تنها مشروعیتی ندارند، بلکه درازمدت به اهداف خود نیز زیان می‌رسانند. مورد هندی نشان می‌دهد که هر جا انسانها برخلاف میلشان عقیم شده‌اند، آمادگی برای تنظیم خانواده برای سالها از بین رفته است.

ولی اگر نرخ رشد جمعیت به رغم پیشرفت و توسعه اجتماعی از شتاب بازنایستاد و یا کاهشی بطنی از خود نشان داد چه باید کرد؟ آیا هنگامی که افزایش جمعیت ظرفیت‌های اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی یک کشور یا یک منطقه را در راستا نه انفجار قرار می‌دهد، باید میل افراد به داشتن فرزند را حتی با زور سرکوب نمود؟ وقتی که تداوم زندگی انسان ناممکن شود، هر نوع آزادی و از جمله آزادی تولید مثل بوج و بی‌معنا می‌شود. بدین ترتیب زمانی که پاسداری از حرمت انسان و شکوفایی کامل شخصیت انسانها در نسل حاضر در تناقض با مصالح و نیازهای نسل آتی قرار گیرد چه باید کرد؟ آیا به لحاظ اخلاقی درست است که از نسل امروز قربانی طلب کنیم یا این امید که شاید صد سال دیگر انسانهایی که امروز امکان حق طلبی ندارند بهتر زندگی کنند؟

در حل اینگونه تنش‌ها و تضادها میان مصالح فرد و مصالح جمع نمی‌توان به هر گونه دخالتی در حقوق فردی انسانها دست باز زد. با این حال در سطح بین‌المللی این هم‌آیی‌ها پیدا شده که در چنین مواردی بسته به کشور و نظام اجتماعی باید مصالح عمومی به این یا آن میزان ارجحیت پیدا کند. جمعیت‌شناسان و دست‌اندرکاران سیاست‌های جمعیتی بر آنند که حقوق فرد در شکوفایی شخصیت و تامین منافع خویش باید در جایی که مبادی اصلی زندگی نسل فعلی و نسل‌های آتی به مخاطره می‌اندازد محدود و مهار شود.

اما برای آنکه این حرف‌ها مستدین و دیکتاتورها در تجاوزه حیطه شخصی زندگی افراد تلقی نشود باید تا کید کرد که حاکمیت زمانی می‌تواند در این حیطه دخالت کند که مقدمتاً پاره‌ای از زمینه‌ها و شرایط همچون برپایی یک دولت مدنی اجتماعی، دموکراتیک و مدافع منافع عمومی را فراهم آورده باشد. با اینهمه باز

هر سیاست تنظیم جمعیت بر شخصی‌ترین عرصه زندگی انسان یعنی تولید مثل تأثیر می‌گذارد. بسته به شکل و محتوای این سیاست حق انسان، یعنی اختیار شخصی وی در تعیین تعداد فرزندانش خویش به این یا آن میزان نقض می‌شود. از همین روست که هرگونه دخالت دولت در حق انسان به تولید مثل نیازمند یک توجیه اخلاقی است.

درواقع در تنظیم جمعیت نه تنها آزادی انسان با فشارهای اجتماعی و دولتی مورد تهدید قرار می‌گیرد، بلکه ارزش‌های اساسی انسانی نیز به بازی گرفته می‌شود. تأملات اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی نمی‌توانند به تنهایی توجیه گریسیات تنظیم جمعیت باشند. به دیگر سخن بدون توجه به اعتقادات، فرهنگ، مذهب و سنن انسان‌ها هر تلاشی در جهت تنظیم خانواده با خطر شکست روبرو می‌شود. با گفتن این که هدف محدود نگاهداشتن افزایش جمعیت و کاهش نرخ رشد آن است بهیچوجه سیاست تنظیم خانواده مشروعیت اخلاقی پیدا نمی‌کند. این‌ها در واقع نه هدف بلکه وسائلی برای بهبود کیفیت زندگی ۵/۶ میلیارد جمعیت دنیا و تأمین آینده‌ای امیدبخش برای نسل‌های آتی می‌باشند.

سیاست جمعیتی اخلاقاً درست که هدفش کاهش زاد و ولد باشد تنها می‌تواند آن تلاش‌هایی را در برگیرد که سرشت و خصیصه‌ای انسانی دارند، برای همه انسانها حرمتی یکسان قائلند و متضمن کاهش رنج‌ها و بی‌عدالتی‌ها و تحقق شانس‌های بهتری برای تداوم زندگی‌اند. این تلاش‌ها باید هم معطوف به ارضای نیازهای اولیه انسان باشند و هم امکان یک زندگی آبرومند را فراهم آورند. سیاست تنظیم جمعیت با مؤلفه‌های انسانی باید به قول آلبرت شوابرتز پاسدار زندگی و حمایت گروا و تقابلی آن به سطح والا ترین ارزش‌ها باشد. در این راستا هر سیاست جمعیتی را باید بر پایه اهداف و روش‌های آن مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.

نخست به اهداف بپردازیم: کاهش نرخ رشد جمعیت را به لحاظ اخلاقی تنها می‌توان با افزایش رفاه اجتماعی و مقابله با خطرات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت توجیه و مدلل نمود. برای مثال جایی که زن‌های جوان در فواصل زمانی کم بچه‌های زیادی می‌زایند و کودکان و مادران بیشمار به هنگام یا بعد از زایمان در فلاکت و بدبختی جان می‌یازند، سیاست تنظیم جمعیت اخلاقاً مشروع و مجاز است، چرا که نه تنها از تعداد زاد و ولد می‌کاهد، بلکه مرگ و میر کودکان و مادران را نیز کاهش می‌دهد. مشروعیت چنین سیاستی در مناطقی که از همین امروز زمین‌های زراعی، آب و دیگر منابع، حتی به رغم امساک و استفاده‌های معقولانه هم برای ادامه حیات ناکافی به نظر می‌رسند نیز امری تردید ناپذیر است. در چنین مناطقی یک سیاست جمعیتی کارا که دستیابی به یک رشد منطقی و قابل تحمل را هدف خود قرار داده باشد هم از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی رواست و هم از جنبه اخلاقی درست است، زیرا مسئله به مصون داشتن نسل‌های کنونی و آتی از خطر گرسنگی و سایر فقر و فلاکت‌ها مربوط می‌شود.

برعکس، آن سیاستی که از دیگران قربانی طلب می‌کند یعنی برای تحکیم قدرت و موقعیت خویش، دیگران را به چشم پوشی از فرزند فراخواند بهیچوجه دارای مشروعیت نیست. به عبارت دیگر کنترل جمعیت در کمربند فقر جهان نباید با این هدف صورت گیرد که ثروت و تداوم شیوه زندگی پرریخت و پاش ممالک صنعتی را تضمین کند و یا بتواند ای برای ادامه سلطه قشرهای فاسد حاکم در کشورهای جهان سوم باشد. گفتن ندارد که آن سیاستی که کنترل زاد و ولد را بر پایه جنسیت و نژاد قرار دهد از کوچک‌ترین ارزش و اعتبار اخلاقی برخوردار نیست.

با این حال اگر سیاست تنظیم جمعیت هدف انسانی و مشروعی را هم دنبال کند بازم نمی‌تواند به هر شیوه و وسیله‌ای دست یازد. مجموعه‌ای از معیارهایی که درستی و اخلاقیت هر شیوه کنترل جمعیت را با آن‌ها می‌توان محک زد یعنی بیابانیه حقوق بشر، نزدیک به پنجاه سال پیش در سازمان ملل به اتفاق آراء به تصویب رسید. در این بیابانیه به گونه‌ای صریح و آشکار از "حق زندگی و حق تولید مثل" سخن گفته می‌شود. "حق انسان در تنظیم خانواده" خویش" که سال ۱۹۶۸ در کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل در تهران به تصویب رسید نیز با توجه به معیارهای بیابانیه حقوق بشر تنظیم شده است. از جمله این معیارها می‌توان از حمایت از زندگی شخصی در قبال تجاوز دولت، حق خانواده و کودکان در برخورداری از حمایت‌های ویژه، حق برخورداری از امنیت اجتماعی و نیز جلوگیری از تبعیض در حق زنان نام برد.

بدینسان هر فرد از ۵/۶ میلیارد ساکنین زمین صرف نظر از موقعیت اجتماعی، مذهب، استعدادها و عقلی و روانی، جنسیت و نژادش باید از احترام، حق زندگی و حق تولید مثل برخوردار باشد، چرا که وی به عنوان یک انسان زاده شده است. در همین راستا یک سیاست جمعیتی اخلاقاً درست باید بر اقتناع و نه بر زور و اجبار استوار شود. بر این اساس دولت‌ها باید چنان شرایطی فراهم آورند که والدین خود آزادانه و از سر مسئولیت فرزندانش کمتری تولید کنند و بدینسان برای همگان امکانات رشد و پیشرفت انسانی درازمدت پدید آورند. رشد و پیشرفت درازمدت یعنی شکوفایی زندگی انسان به نحوی که نه از

جمهوری اسلامی ظرف ۴، ۵ سال اخیر در این رابطه انجام داده بهیچوجه کافی و چاره‌ساز نیست. برای مثال این تنها کافی نیست که به مردم شیوه‌های پیشگیری آموزش داده شود و وسائل ضد بارداری به آنها ارائه شود (بگذریم که در این زمینه هم تبلیغات و ادعاها بهیچوجه با کارهای انجام شده همخوانی ندارد). مادام که جمهوری اسلامی به زنان به مثابه موجوداتی برای کنج خانه و بچه‌سازی می‌نگرد و با توسل به آیات و احادیث کهنه و قرون وسطایی آنها را از برابری حقوقی با مردان و بعهده گرفتن سهم بیشتری از مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بازمی‌دارد، زاد و ولد غیر ضروری و افزون‌اندازه ادامه خواهد یافت. در جوامع مردسالاری همچون جامعه ما که اغلب مردان برای خود در نگهداری و پرورش بچه مسئولیت چندانی قائل نیستند و آن را از وظایف زنان می‌دانند، طبعاً بیشتر از همسران خویش به داشتن بچه بیشتر علاقمندند. لذا تا هنگامی که زن خود را وابسته و پائین‌تر از مرد حس کند و نتواند از منافع و علائق برحق خود و از جمله گرایش به بچه کم‌تر دفاع کند، دستیابی به خانواده‌هایی کوچک و معقول با دشواری و مشکلات همراه است. علاوه بر آن جمهوری اسلامی با کاهش سن بلوغ و ازدواج، راه را برای شوهر دادن دختران ۹ ساله هم باز گذاشته است. فقر و فاقه بسیاری از خانواده‌ها و تلاش آنها برای کمتر کردن ناخوره‌ها سبب شده که با استفاده از قانون فوق دختران خردسال و نوجوان خود را به زور هم که شده به خانه بخت بفرستند. آن دختر ۱۴ ساله یا سوجی که چندی پیش خود را به آتش کشید تا خود را از شر ازدواج با یک مرد چهارزنه و اره‌اند در واقع خشم فروخورده هزاران دختر نوجوانی را به نمایش گذاشت که قبل از تشخیص خوب و بد خود اسیر عیش جنسی مردان شده، به خانه داری و بخت و پز گماره می‌شوند. آمارها نشان می‌دهند که در هفتاد و پنجگوش کاهش چشمگیر جمعیت،

صاحبان ثروت و قدرت در غرب می‌کوشند با

دستاویز قرار دادن خطر از دیاد جمعیت در

جنوب، مسئولیت ایجاد و تداوم نظم ناعادلانه

جهان و فرسایش محیط زیست را از شانه خود

برداشته و به گردن قربانیان آن یعنی مردم جهان

سوم بیاندازند.

تا میزان یک سوم به افزایش سن ازدواج دختران از ۱۴ به ۱۸ سال مربوط می‌شود، زیرا هم از تعداد ازدواجها کاسته شده است و هم زنان در سنی ازدواج می‌کنند که نسبت به منافع و مصالح خود، تعداد منطقی فرزند و شیوه‌های پیشگیری اطلاعات و آگاهی بیشتری دارند. از سوی دیگر آمارهای سازمان ملل حاکی از آنند که میزان مرگ و میر به هنگام بارداری و وضع حمل در زنان زیر ۱۸ سال دو برابر زنان ۲۰ تا ۳۵ ساله است. بچه‌های این زنان نیز اغلب کم وزن و خطر مرگ و میرشان یک سوم بیشتر از بچه‌های زنان بالاتر از ۱۸ سال است.

فزون بر موارد یاد شده ترس والدین به آینده و دوران از کار افتادگی خود نیز سبب می‌شود که آنها کماکان اولاد بیشتر را بمنزله تأمین برای دوران پیری خود بنگرند، امری که بنوبه خود امکانات آموزشی، بهداشتی و اشغال جامعه را زیر فشار قرار می‌دهد و زندگی نسل‌های آینده را با خطرات گسترده‌ای مواجه می‌کند. وجود یک شبکه تأمین اجتماعی فراگیر می‌تواند از این گرایش والدین بند ریج بکاهد و طلسم شیطانی ازدیاد جمعیت را به سهم خود باطل کند. جمهوری اسلامی اما سالیهاست که صرفاً به شعار دادن در این عرصه مشغول است ولی در عمل کارنامه‌ای ناچیز و در حد صفر دارد.

این نکته نیز باید نیازی به تا کید نداشته باشد که بی‌توجهی رژیم به ایجاد امکانات فراغت و سرگرمی برای مردم و بر کردن برنامه رسانه‌های گروهی کشور با فیلمها، مطالب و سخنرانیهای خرافی، بی‌روح و کم ارتباط با زندگی و نیازهای جامعه به افزایش ساعات بیکاری، خواب و روابط جنسی زن و شوهرها و طبعاً تشدید زاد و ولدها انجامیده است.

نیک پیدا است که رفع زمینه‌ها و موانع یاد شده بسیار کارآتر و تمیزتر از اقدام امرانه و بی‌روگرانی رژیم به محروم کردن فرزند چهارم خانواده از امکانات اجتماعی و رفاهی است. لیکن برای حرکت در راستاهای یاد شده باید سیاست خود را بر مبنای علمی و تجربی استوار کرد و برنامه‌ای واقعی، همه جانبه و مبتنی بر تامین مصالح و منافع نسلی کنونی، نسل‌های آینده و نسل‌های آتی، همگام با اسلامی اما تاکنون نشان داده است که به آموزه‌ها و ایدئولوژی قرون وسطایی خویش بیشتر از دستاوردهای علمی و تجربی بها می‌دهد و برایش رعایت احکام و احادیث اعصار گذشته و حیث و میل کردن امکانات کشور در راستای منافع خویش مهمتر از پاسخگویی به نیازها و مصالح مبرم و آتی جامعه است.

هم آن تناقض اخلاقی بر جای می‌ماند و مسئله فقط به انتخاب بین شیوه‌های بد و بدتر محدود می‌شود. بی‌عملی هم اما آنجا که به رنج و حرمان شمار کثیری از انسانها بیانجامد بهیچوجه قابل توجیه نیست. شیوه‌های کنترل جمعیت که به والدین فشار وارد می‌کنند (از محروم‌سازی از حقوق اجتماعی در صورت زاد و ولد فراتر از میزان تعیین شده گرفته تا جریمه نقدی و عقیم‌سازی یا سقط جنین اجباری) تنها زمانی روا و موجه‌اند که پس از ارزیابی‌های دقیق و وجدانی و تنها با هدف مصون داشتن جامعه از خطرات اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی به کار گرفته شوند. مشروعیت این روش‌های آمرانه و اجباری همچنین زمانی حاصل است که تنها پس از انکام ماندن روش‌های آزادانه تنظیم خانواده مورد استفاده قرار گیرند. به عبارت روشنتر نقض حقوق بشر در زمینه تولید مثل به لحاظ اخلاقی تنها زمانی مسئولانه است که در بخش جنوبی کره خاک یک سیاست توسعه اجتماعی مبتنی بر رفح نیازهای اساسی مردم و واقعا شکست خورده باشد و در شمال تلاشی جدی برای تغییر شیوه زندگی غیر مسئولانه و فرساینده معیشت صورت گرفته باشد. در حال حاضر اما هیچکدام از این دو پیش شرط تحقق نیافته است. در واقع این ادعا که رشد جمعیت در جنوب تنها موجب خطر برای بقای بشریت است، بسیار غیر واقعی است و از نادیده گرفتن مشکل اصلی‌ترین هدر دادن بی‌رویه منابع و امکانات زمین از سوی کشورهای صنعتی ناشی می‌شود. هر شهروند آمریکایی در طول عمر خود به طور متوسط ۲۰۰ میلیون لیتر آب، ۲۰ میلیون لیتر بنزین و ۱۰ هزار تن فولاد مصرف می‌کند. اگر همه اهالی جهان مصارفی در حد یک شهروند آمریکایی می‌داشتند پس از یک نسل امکانی برای تداوم حیات بر روی زمین باقی نمی‌ماند. در حال حاضر مصرف سرانه انرژی در هلند ۱۰۰ برابر بیشتر از بنگلادش است. افزایش جمعیت آمریکاد ر فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۲ بالغ بر ۷۴ میلیون نفر بوده است، این رقم در مورد هند به ۲۲۸ میلیون نفر می‌رسد، لیکن مصرف منابع انرژی و امکانات زمین از سوی آن ۷۴ میلیون آمریکایی نزدیک به ۳ برابر مقدار مورد استفاده این ۲۲۸ میلیون هندی است. همچنین امروز دیگر کسی نمی‌تواند منکر شود که این نه مردم کشورهای جهان سوم بلکه عمدتاً تولیدات آمریکایی و بی‌اعتنا به محیط زیست کارخانه‌ها و مجتمع‌های صنعتی غرب بوده که آب دریاها را آلوده، جو زمین را از گازهای سمی انباشته و زیستگاه بشر را در معرض خطرهای جدی قرار داده است. علاوه بر آن خطر از دیاد جمعیت عمدتاً از زمانی وارد زبان محافل قدرتمند غرب شده که کاربرد میکروالکترونیک و تکنیک‌های پیشرفته، آنها را به میزان چشمگیری از نیروی کار از زنان جهان سوم بی‌نیاز کرده است. این محافل اینک برای غارت منابع خام جهان سوم هم نیاز چندانی به نیروی کار بومی ندارند و لذا این نیرو در چشم آن محافل جمعیت زانندی می‌ماند که محرومیت‌ها پیش می‌توانند به عصیان، مهاجرت به جوامع غرب و در ریک کلام بر هم زدن رفاه و ثروت این جوامع بیانجامد. تا کید بر نکات یاد شده از آن رو ضروری است که صاحبان ثروت و قدرت در غرب می‌کوشند با دستاویز قرار دادن خطر از دیاد جمعیت در جنوب مسئولیت ایجاد و تداوم نظم ناعادلانه جهان و فرسایش محیط زیست را از شانه خود برداشته و به گردن قربانیان آن یعنی مردم جهان سوم بیاندازند. و گرنه کسی را یاری حاشای این ضرورت نیست که رشد جمعیت در کشورهای جنوب و به ویژه در کشوری همچون کشور ما بخاطر مصالح و منافع ملی هم که شده باید مشمول تنظیم و برنامه ریزی شود.

در حالی که جمعیت جهان در ۹۰ سال گذشته سه برابر افزایش یافته، جمعیت ایران در همین مدت شش برابر شده است. این رشد به ویژه در دهه اخیر از رهگذر بی‌توجهی و سیاست‌های فاجعه بار جمهوری اسلامی به گونه‌ای بوده که هم اینک ۵۰ درصد جمعیت ۶۰ میلیونی کشور را افراد زیر ۱۷ سال تشکیل می‌دهند. به گفته وزیر کشاورزی رژیم در همین حال حاضر ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت کشور از نظر میزان مصرف انرژی، پروتئین آسیب پذیر است که از این عده ۱۰ درصد دچار کمبود شدید غذایی‌اند. خوشبختانه ترین پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که بیست سال دیگر جمعیت ایران به ۱۰۴ میلیون نفر خواهد رسید. در چنین صورتی نیز سه تغذیه و گرسنگی ابعاد گسترده‌ای پیدا خواهد کرد، سهم سرانه آب به نصف میزان فعلی کاهش خواهد یافت و تنها برای تامین نیازهای آموزشی از هم اکنون در سطح باید روزانه ۱۲ مدرسه ساخته شود، کاری که تقریباً از محالات است. همه این واقعیت‌ها موبد ضرورت یک سیاست جمعیتی دقیق و برنامه ریزی شده است. آنچه که

بحثی درباره اخلاق و سیاست

حسن جعفری

فعالیت های سیاسی سازمان مجاهدین بعد از انتقال بخش عمده رهبری آن از عراق به اروپا وارد دور جدیدی شد. این فعالیت ها دارای دو جنبه کاملاً برجسته است: از یکطرف این سازمان با صرف هزینه های کلان به نقل و انتقال نیرو جهت نمایشات خیابانی، برگزاری کنسرت های پرزرق و برق، انتشار نشریه ایران زمین در شکلی نسبتاً خوب، تحرک در جهت جلب پشتیبانی دولت های خارجی و همچنین تلاش پیگیر جهت جذب افراد صاحب نامی که دستی در سیاست ندارند و یادست اندر کاران سیاسی ای که جوایب نام اند می پردازد، از طرف دیگر پیش از همیشه نسبت به هر منتقد سیاسی، هر نیروی رقیب و بطور کلی هر کسی که در مقابل رهبری این سازمان تسلیم مطلق نشود، بگونه بیمارگونه ای به ایجاد جنجال، کینه و دشمنی و دروغ و افتراء دست میزند. این ها همه با ضافه دهها سؤال دیگر در مورد تاریخچه پانزده ساله اخیر مجاهدین، نقش مذهب در این سازمان و غیره و غیره، این پرسش اساسی را در ذهن مطرح می سازد که برایست مجاهدین از کدام اخلاق سیاسی پیروی می کنند و اصولاً اخلاق در سیاست های این سازمان چه جایی دارد؟

در زیر سعی می شود بحثی در این زمینه چه در مورد مجاهدین و چه در مورد دیگر نیروهای سیاسی ایرانی آغاز شود، با این امید که این بحث از طرف دیگر علاقمندان ادامه یابد.

درواقعیت همه چیز نسبی است، از جمله سازگاری اخلاق و سیاست. می توان گفت سیاست اخلاقی نادر است اما نمی توان گفت اصلاً وجود ندارد. اما سیاست غیر اخلاقی تادلتان بخواهد پیدا می شود و قدمتی دارد به اندازه خود سیاست.

اصولاً بسیاری از پدیده هایی که در عصر جدید و همراه با تمدن نوین از مغرب زمین وارد میهن ما شده اند، با آنکه در زاده خود پدیده فیثویت و در خدمت ترقی و تکامل این جوامع بودند، اما در جامعه ما به امری منفی تبدیل شده و یا حداقل اثرات منفی ای از خود بجای گذاشتند که زودن آن از ذهن توده ها به نسل ها کارنایزمتند است. مثلاً ما از نذرانی ها به دروغ گفتن می گوئیم "چاپ زدن" و به آدم دروغگو می گوئیم "چاپچی"؛ دلیلش شاید اینست که در جامعه استبداد زده ما که از همان بدو ورود صنعت چاپ، سانسور حقایق همراه با دروغهای رژیم ما بر آن حاکم بود، این معنی از چاپ را به ذهن مردم ما برده است. یا اینکه همه شما با اصطلاح "پارتی بازی" آشنا هستید، ساخته شدن این اصطلاح توسط مردم ما نیز مستقیماً به عملکرد احزابی بستگی دارد که از همان اوائل قرن اخیر تا امروز در جامعه ما فعال بودند.

در این میان جالب تر از همه سرنوشت واژه "سیاست" است. این کلمه قدمتی طولانی تر در فرهنگ ما دارد و تصادفی هم نیست که یکی از معانی قدیمی و متداول آن "مجازات کردن" است. اما در عصر حاضر ما با معنی دیگری از آن هم رو برو می شویم، "پلیتیک زدن" که در فرهنگ مردم بمفهوم "کلک زدن" هم میشود، مثلاً مجسم کنید که از یکطرف هر کس تا هر زمان که مصدر قدرت بود ویرخ مراد که امروز بهتر است آنرا "صندلی مراد" بنامیم سوار شد، دنیا بکامش گشت و بی حق و بی حساب - که نامش را حق و حساب هم گذاشت - زد و کشت و چا پید و برد، و از طرف دیگر چهارشاه آخر ایران در تبعید مردند، اکثر نخست وزیران ایران در قرن بیستم بدو تهور شدند، یا مغضوب و یا در زندان و تبعید مردند، و در چنین جامعه ای وضع نیروئی که در اپوزیسیون سیاسی است هم از پیش روشن است که تاریخ تراژیک آن لازم به تکرار نیست. این نقش و سرنوشت است که در فرهنگ مردم ما اصطلاح "سیاست بدروماد در ندارد" را بوجود آورده است.

اخیراً هم بعد از دگرگونی های شگرف و زیر و زبرهای غیرمنتظره ای که هم کشور ما و هم کل جهان در سالهای اخیر طی کرد، این سؤال در ذهن برخی از روشنفکران ما طرح شده که آیا اصولاً "سیاست" و "اخلاق" با هم سازگاری دارند؟ آیا می توان از چیزی بعنوان "اخلاق در سیاست" یا "سیاست اخلاقی" نام برد یا کلاً "سیاست" غیر "اخلاقی" است؟ خود پرستشگران و یا کسانی که اساساً در سازگاری اخلاق و سیاست تردید دارند، با این اصل علمی و بدیهی بخوبی آشنا یند که هیچ چیزی مطلق نیست.

مطلقاً خوب یا مطلقاً بد فقط در تجرید می تواند حضور داشته باشد و فقط در یک علم کاملاً انتزاعی نظیر ریاضیات می شود نسبتاً؛ به نتایج مطلق رسید. در واقعیت همه چیز نسبی است، از جمله سازگاری یا ناسازگاری اخلاق و سیاست. می توان گفت سیاست اخلاقی نادر است اما نمی توان گفت اصلاً وجود ندارد، اما "سیاست غیر اخلاقی" تادلتان بخواهد پیدا می شود و قدمتی دارد به اندازه خود سیاست. ما در اینجا از بحث در مورد مفهوم خود "اخلاق" صرف نظر می کنیم و عام ترین و پسندیده ترین معنی ای از آن که در فرهنگ مردم ما وجود دارد را در نظر می گیریم، حال با اشاره به آنچه که در بالا راجع به برداشت از سیاست در جامعه ما ذکر کردیم، شما این معانی مجازات کردن، "کلک زدن" و خلاصه "پدرو مادرو شدن" را کنار هم بگذارید، از آنها بردار می گیریم و نام آنرا می گذاریم "سیاست غیر اخلاقی".

بنظر من هسته اصلی چنین سیاستی را چگونگی برخورد با مساله "قدرت" تشکیل می دهد، بعبارت دیگر همه ویژگی های یک "سیاست غیر اخلاقی" که در بالا بر شمرديم - مجازات و سرکوب، فریب و کلک و بی پرستی و بی پدرومادری - در چگونگی شیوه های اتخاذ شده جهت رسیدن و نگهداری قدرت خلاصه شده است. آنچه که بسرعت می تواند غیر اخلاقی و فاسد کننده شود، نه سیاست بطور کلی که قدرت است، آنچه که غیر اخلاقی است، سیاستی است که با هدف کسب یا حفظ قدرت بهره شیوه اتخاذ گردد.

برای پیدا کردن رژیم هایی که مصداق چنین سیاستی باشند ما بهیچوجه در چارحمت نخواهیم بود و برای اینکه راه دورنرویی همین رژیم فعلی را در نظر میگیریم که در تاریخ این کشور یکی از پارتیزترین مصادیق سیاست یاد شده می باشد. وعده هایی که خمینی در جهت کسب قدرت به ملت داد و اعمالی که بعد از بدست گرفتن قدرت توسط وی و اکنون در جهت حفظ قدرت توسط جانشینانش انجام می شود، نیاز به توضیحی ندارد تا انطباق آن بر چنین سیاستی نشان داده شود. این رژیم با فریب عظیم ترین پشتیبانی توده ای در تاریخ را جهت کسب قدرت بدست آورد و بعد با سرکوب و نیرنگ و بی پرستی آنچنان بلائی سر این ملت و این آب و خاک آورد که در تاریخ فقط می توان با ایلغار، اسکندر و عرب و مغول قابل قیاس دانست. این رژیم اوج فواره چنین سیاستی است، اما آیا این اوج نشانه سرنوشتی فواره یعنی روزه با یان بودن موجودیت چنین سیاست ها بی درجیات اجتماعی و سیاسی میهن ما است؟ متأسفانه نگاهی به وضعیت اپوزیسیون فعلی رژیم چنین نویدهایی را نمی دهد.

هسته اصلی سیاست غیر اخلاقی را چگونگی برخورد با مساله "قدرت" تشکیل می دهد. بعبارت دیگر همه ویژگی های یک سیاست غیر اخلاقی نظیر مجازات و سرکوب، فریب و کلک و بی پرستی و بی پدرومادری، در چگونگی شیوه های رسیدن به و نگهداری قدرت خلاصه شده است.

یکی از قدیمی ترین احزاب سیاسی ایران که قریب پنجاه سال نقش یک اپوزیسیون مطرح را در جامعه ما بازی کرد حزب توده ایران است. این حزب چه در روابط داخلی خود و مساله رهبری - قدرت در درون حزب - و چه در برخورد با قدرت سیاسی در جامعه یکی از نشانه های بارز آن چیزی است که نام آنرا سیاست غیر اخلاقی گذاشتیم. بدلیل آشنایی عمومی با تاریخ و سرنوشت این حزب نیاز به توضیح مفصلی جهت اثبات ادعای یاد شده نیست، اما بد نیست که در اینجا به یکی از منفی ترین ویژگی های حزب یاد شده اشاره شود و آنهم مساله وابستگی به اتحاد شوروی است. ریشه این وابستگی دقیقاً در نوع برخورد رهبری حزب با مساله قدرت قرار داشت، چرا که از طرفی رهبران حزب می دانستند برای حفظ مسند خود و کنار زدن رقبای باید هر چه بیشتر حرف شنوی خود را از دستگاه دولت و حزب در شوروی ثابت کنند و از طرف دیگر با این اعتقاد راسخ بودند که بدون تکیه بر شوروی به هدف اصلی خود یعنی کسب قدرت در جامعه ایران نخواهند رسید. برخوردی این چنینی با مساله قدرت بعید است که وابستگی یک نیروی سیاسی به یک

دولت بیگانه را بدنبال نداشته باشد. حال برمی گردیم به نیروهای فعال اپوزیسیون رژیم فعلی ایران. در میان این نیروها بنظر من دو مثال بارز چنین سیاستی سلطنت طلبان و مجاهدین هستند. ویژگی مشترک هر دو نیرو در اینست که چشم به یک سیستم متعلق به گذشته و مرده دارند، یکی می خواهد دوباره سلطنت را احیا کند اما بشکل "مشروطه" اش و دیگری قصد دارد دوباره یک جمهوری اسلامی برپا کند اما از نوع "دموکراتیک" اش. یکی وعده "مشروطه" می دهد و دیگری وعده "دموکراسی" و وعده دادن جزای بنگ چنین سیاستی است و سیستم "شاه" و رهبر بر این باور بنا شده که مردم ما تاریخاً همچون گله های بی پند که همیشه یک چوپان بالای سرشان بود و برای حکومت کردن بر چنین مردمی ابتدا باید یک "چوپان قدر قدرت" درست کرد تا بعد بتوان بر قدرت سوار شد. اینان که نمی خواهند ریشه های فاسد دیکتاتوری و دیکتاتورمنشی را در جامعه ما برچینند و قصد تغییر و بهبودی در زندگی و فرهنگ مردم ندارند، تنها با تکیه بر عقب افتاده ترین عادات این مردم و احیاء دوام آنست که می توانند به هدف اصلی خود یعنی کسب قدرت برسند و چنین نیز می کنند. مرد سالاری، قهرمان پرستی، نیاز و تکیه بر یک ناجی قدر قدرت که سایه و نما یبندد، خدائیزوری زمین هست، بخشی از فرهنگی است که تاریخاً در ذهن مردم این سرزمین خشونت طبیعت و طبایع - گل و بلبل؟ - شکل گرفته و به باور آنان تبدیل شده است، باوری که همیشه توسط همین قدرتهای حاکم پاسداری و توجیه گشته است و اکنون نیز این نیروها با تکیه بر همین باورهاست که می خواهند به معبود خود یعنی قدرت برسند و در این میان بقول ظریفی "نداشتن حافظه تاریخی" توسط مردم ما و یا در حقیقت داشتن حافظه ای که همیشه با نیرنگ و فریب پر شده و تاریخی که همواره جعل و تحریف گشته است، مدد کار اینان است.

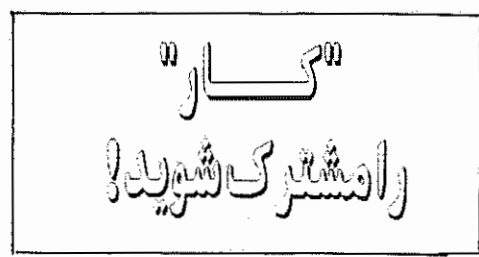
نیروئی که به قدرت فکری کند لا جرم در درجه اول باید به رقیب قدرت فکر کند و فکر کردن به رقیب قدرت خود بخود یعنی برخورد با مقوله آزادی. البته این از آن مقولاتی است که تاکنون تفسیرهای متعددی از آن شده و هر کس بر حسب منافع خود از آن تعریفی بدست داده است و حتی بقول جنتی "تا وقتی که آن مرگ یک شهید است، اما بنظر من این جمله روزاً کوزامورگ یکی از صریح ترین تعریف ها از آنست که: "آزادی یعنی آزادی برای دیگر اندیشان". حال چگونه رژیمی که می خواهد بهر قیمتی شده قدرت را در دست خود حفظ کند حاضر است برای دیگر مدعیان این قدرت یعنی اپوزیسیون آزادی قائل شود؟ دیکتاتورها می توانند به همه مقدساتشان سوگند یاد کنند که هدفشان برقراری امنیت، پاسداری از میهن، منافع مردم و غیره است اما معلوم نیست چرا همیشه همه اینها معنی مترادفی با چند انشان هم پیدا می کنند؛ مثلاً شاه هدفش را حفظ تمامیت ارضی ایران و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ اعلام می کرد، اما معلوم نیست میلیاردها دلار خارج شده از این میهن که اکنون خانواده اش راه یکی از بزرگترین خانواده های ثروتمند جهان تبدیل کرده است برای حفظ کدام تمامیت و رسیدن بکدام دروازه بوده است؟

در این میان جالب تر وضع نیروی غیر دموکراتی است که هنوز بقدرت نرسیده و خودش در اپوزیسیون بسر می برد. معمولاً دیده شده که اینان در این موقعیت به هزار دلیل سعی دارند چهره واقعی خود را پنهان کرده و زست ظاهراً دموکراتی بگیرند که حتی خمینی اش نیز این طرفه را بکار بست. اما این معمول در مورد مجاهدین صدق نمی کند و این سازمان از هم اکنون نه تنها حساب آینده را روشن کرده، بلکه بقول معروف نمونه جنسی را که در آینده می خواهد عرضه کند مدتهاست بیاباز فرستاده است: اتهام، جعل و تحریف، تروسیاسی و شخصیتی هر کس که رهبری مجاهدین را نمی پذیرد، تهدید رقبای مخالفین و در مرادری مثل عراق که امکانانش را دارد - با عتراف مجاهدین جدا شده - عملی کردن این تهدیدها به منش سیاسی روزمره مجاهدین تبدیل شده است. این مواضع یک نیروی در اپوزیسیون آنچنان غیر متعارف است که خیلی ها سعی کردند برای آن توضیحی بیابند و به

پاسخهای مختلفی از قبیل درایت و عدم درایت سیاسی، ویژگی مذهبی و یا مختصات نظامی و غیره رسیده اند، اما بنظر من در اینجا هم ریشه مساله در چگونگی برخورد مجاهدین با مقوله "قدرت" است. در احزاب و سازمانهای سیاسی دموکرات این یک قاعده معمول است که بدنبال هر شکست سیاسی، طراحان و هدایت کنندگان سیاست مزبور کنار می روند و جای خود را به نیروی جدیدی که سیاستی نوین دارند می دهند. اما این قاعده معمول در مورد سازمان مجاهدین ابداً صدق نمی کند. رهبری این سازمان که از سال ۱۳۶۰ تا با مرز و با وعده های پیروزی سریع، پیروزی در یک ماه، پیروزی در چند ماه، پیروزی در یک سال، پیروزی در چند سال و غیره دست به ماجراجویی های سیاسی و نظامی بزرگ زده که در همه موارد با شکست های سنگین مواجه شد، شکست هایی که هر یک بقیمت جان هزاران انسان و صد مات روانی و اجتماعی جدی برای سازمان و جامعه منجر گردید و همچنین اتخاذ سیاست هایی که در اثر آن سازمان را تحت کنترل کامل استخبارات عراق در آورده و عملاً به بخشی از گارد ریاست جمهوری عراق تبدیل کرده است که از آن در سرکوب کردها و شیعیان در خود عراق، خراب کاری در

اگر تاریخ ما آئینه رنج مردمی است که قرنها تحت فشار تسلط بیگانگان، جورشاهان و تزویر و نیرنگ روحانیون بوده اند، و اگر سلطنت طلبان و مجاهدین - حتی اگر برای رد گم کردن دهها بار نام و لباس خود را تغییر دهند نشان داده اند که می خواهند وارث کامل همه سیاهی های این تاریخ باشند، این وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه دموکرات ایران است که نشان دهد وارث تمامی جنبش های عدالت طلبی و آزادی خواهی این ملت می باشد.

تاسیسات نفتی و حمله بخاک ایران مورد استفاده قرار می دهد، هیچگاه حاضر نشده و نخواهد بود که با سخگوری این سیاست های فاجعه بار خود در برابر توده های سازمان گردد. بدین ترتیب رهبری سازمان برای حفظ قدرت بلا منازع خود، از یکطرف به سرکوب و طرد عناصر معترض و بقول خود "مساله دار" بهر شیوه ناپسندیده ای می پردازد و از طرف دیگر برای انحراف اذهان دیگر اعضا از فکر کردن درباره رهبری با یک عامل فرعی یا خارجی به ایجاد جنجال، جوشناز و ایجاد کینه نسبت به رقبای سیاسی می پردازد. برای اینکه اعضا مساله دار نشوند باید فکر نکنند و برای اینکه فکر نکنند باید مشغول شوند حال مهم نیست که این مشغولیات با رزه نظامی تا مین می شوند یا تماشای ویدئوهای تلویزیونی یا درگیری با رقبای سیاسی. رژیم شاه جشن های باشکوه برگزار می کرد، رژیم خمینی عزاداری های شکوهمند ترتیب می دهد و اینان که در حکومت نیستند باید به همین بسنده کنند - این شیوه های حفظ قدرت مطلق و رهبری بلا منازع اساساً با سازماندهی دموکراتیک و دموکراسی تشکیلاتی در تضاد است، حال چگونه چنین رهبری ای در خارج از سازمان و به نیروهای غیر خودی اجازه تخطی به این قدرت را می تواند بدد؟ دموکراسی در یک جامعه زمانی قابل تصور است که تمام بافت جامعه، تمام نهاد های جامعه از خانواده گرفته تا مدرسه و دانشگاه و کارخانه و احزاب و حکومت بشیوه دموکراتیک اداره شوند و در این میان وضعیت احزاب و سازمانهای سیاسی بویژه قابل تاکید است، چرا که اینان بهار سال خوشی یا ناخوشی اند که در پیش است. متأسفانه مجاهدین از هم اکنون آنچنان بهار غم انگیزی را به نمایش گذاشته اند که گویا سال آنان در ناخوشی اختناق و وحشت می خواهد گوی سبقت را از تاریخ برآید. سلطنت طلبان نیز نه تنها یکبار امتحان خود را در این زمینه پس داده اند، بلکه اکنون هم نشان می دهند که هیچ چیزی از گذشت روزگار نیامرخته اند. اما اگر تاریخ ما آئینه رنج مردمی است که قرنها تحت فشار تسلط بیگانگان، جورشاهان و تزویر و نیرنگ روحانیون بوده اند و اگر سلطنت طلبان و مجاهدین - حتی اگر برای رد گم کردن دهها بار نام و لباس خود را تغییر دهند - نشان داده اند که می خواهند وارث کامل همه سیاهی های این تاریخ باشند، این وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه دموکرات ایران است که نشان دهد وارث تمام جنبش های عدالت طلبی و آزادی خواهی این ملت می باشد. این نیرو اگر چه مشکلات عظیمی در پیش رو دارد، نه پشتیبانی دولت های خارجی را دارد - چرا که نمی تواند پیش شرط این پشتیبانی ها را بپذیرد - و در نتیجه آن نه پول و امکانات آن دیگرها را، و این ها همه قدرتی تحرک و سازماندهی آنها تضعیف میکنند، اما عاجل ترین مشکلی که این نیرو توان بالقوه حل آنرا دارد، مشکل پراکندگی نیروهای دموکرات است. شرایط بحرانی امروز جهان و ایران فرصت زیادی را در پیش رو قرار نمی دهد. از این رو این نیروها باید با از خود گذشتگی و وسعت نظر بیشتر هر چه سریعتر وحدت و هماهنگی خود را در زمینه برنامه و عمل تا مین کرده و با عرضه یک الگوتیرو دموکراتیک، چه در رابطه با روابط درونی و تشکیلاتی خود، چه در رابطه با دیگر نیروهای سیاسی، چه در رابطه با مردم خود، چه در رابطه با نیروها و دولت های خارجی و چه حتی در رابطه با دشمن خود، رژیم جمهوری اسلامی، نمونه یک سیاست دموکراتیک و اخلاقی را به نمایش گذارند.



ماه گذشته تلویزیون ایرانیان دورتموند (ندا) در جریان تظاهراتی که روز ۳۰ تیر برگزار شد مصاحبه‌هایی با دوتن از اعضای شورای ملی مقاومت آقایان سامع و هزارخانی انجام داد. اخیراً در مسافرت آقای رضا پهلوی به اروپا تلویزیون ندا با وی نیز مصاحبه‌ای طولانی به عمل آورد. متن مصاحبه‌ها برای نشریه‌ی کارارسال شده است. در زیر فرازهایی از هر یک از این سه مصاحبه از نظر خوانندگان می‌گذرد.

رضا پهلوی: مسائل راه آینده مو کول کنیم

۲۸ مرداد و انقلاب بیستم
س: من سؤالم را از اینجا شروع می‌کنم که ارزیابی‌تان از ۲۸ مرداد و انقلاب بیستم چیست؟
ج: در رابطه با ۲۸ مرداد یک فرق فاحشی که با زمان انقلاب هست اینست که خوب من چند سال بعد از ۲۸ مرداد بدنی آمدم. چون در جریان نبودم از روی مطالعه تاریخی و شنیدن از این و رو آنرا از یک مطالبی اطلاع دارم. در حالی که در بیستم ۵۷ چند ماهی بود که تازه از مملکت خارج شده بودم. من معتقد هستم که کارنامه هر نظامی را اگر بخواهیم منصفانه بررسی کنیم چه در رابطه با تعریف، چه در رابطه با ایراد گیری باید بیلان کل را بررسی کرد. نه در جایی که یک برداشت خاصی است به یک قسمت کارا کتفا کرد.

فکر می‌کنم عکس العمل آن زمان یک مقدار برمی‌گشت به طرز عمل و رفتار حکومت وقت و شاید آنچه مرحوم مصدق در آن لحظات آخر که تصمیمات خاصی گرفته بود، شاید تصمیمی که در مقابل گرفته شد، بالاخره شرایطی ایجاد کرد که نهایتاً آنچه بود اتفاق افتاد. بهر حال بدون پشتیبانی و طرفداری مردم نبود که پادشاه ایران که مملکت را ترک کرده بود به مملکت برگشت.

میرسیم به مرحله سالهای بعد تا انقلاب... من معتقد هستم که ایراد اصلی راه آن شکل می‌شود گرفت که حکومت پیشین میزان تغییر و تحولات اقتصادی را که در مملکت پیش می‌رفت، هماهنگ با یک پیشرفت و توسعه و باز شدن و فرم سیاسی رعایت نکرد. . . طبقه‌ی روشنفکر جامعه، انلکتکوتل‌ها و اصولاً کسانی که در آن جو سیاسی خواسته‌های خیلی زیادی داشتند آن آزادی عمل و آن آزادی فعالیت سیاسی را در حدی که از دید آنها لازم بود نمی‌دیدند.

س: این تجربه را باید خلاصه کرد، رهبران سیاسی ما به این نتیجه رسیده‌اند که حداقل بگویند حق حاکمیت از آن مردم است.
ج: مسلم است.
س: حالا می‌خواستم بپرسم که شما این حاکمیت را تا کجا امتداد می‌دهید؟
ج: متوجه سؤالتان نیستم.
س: بلی، حق حاکمیت راه، حق تعین سرنوشت خلقهای ایران، تشکیل حکومت‌های ملی، مجلس ملی، دولت‌های محلی تحت یک حاکمیت واحد را؟
ج: من اگر سؤال را درست

فهمیده باشم به شما می‌گویم که در هر حال من صحبت از ایران در تمامیتش می‌کنم. من ایران را نمی‌توانم ببینم که از هم گسیخته شود.
س: نه. در اینجا اصلاً مساله تجزیه مطرح نیست. مساله عدم تمرکز قدرت است.
ج: آن بحث یک بحث جدائی است. فکر نمی‌کنم مساله‌ی عدم تمرکز بی‌دلی داشته باشد یا پذیرش اصل حاکمیت ملی اصل حاکمیت مردم بالاترین اصل ممکن است.

س: ببله، ولی جامعه‌ی ما مشکل است از خلق‌ها و یا قوم‌های مختلف. مسئله بر سر تعریف حق حاکمیت مردم است. من می‌خواستم بدانم شما تا چه حد در شعار حق حاکمیت مردم عمیق هستید؟
ج: نمیدانم واقعاً کدام قسمت از این سؤال را می‌شود بررسی کرد. من یک مثال بزنم. مملکتی مثل آمریکا اگر قرار باشد که فردا فرض کنید تگزاس بگوید من می‌خواهم از آمریکا جدا بشوم. من تصور این است که در آن جا خیلی مسئله حساس است و یک محدودیت‌هایی از این لحاظ مطرح میشود.

س: البته ما از تمامیت ارضی دفاع می‌کنیم. در اینجا مسئله‌ی تمامیت ارضی نیست.
ج: خوب اگر مقصود یک مقدار خود مختاری‌ها و یا یک امکانات تصمیمات محلی باشد، من اصولاً از نظر پرنسپ، حالا در ایران تا چه حد عملی است یا نه، آن بحثی است که بهر حال بایستی با خود جامعه، با خود نمایندگان مردم، احزاب مختلف این مسئله مطرح شود. . . مثال میزنم: کردستان، فرض کنید در رابطه با مدارس، آزادی در تدریس زبان کردی موازی با زبان فارسی، یک مقدار تصمیمات و مسایل اداری محلی.

س: فکر می‌کنم روی این فرمول می‌توان به توافق رسید که حق حاکمیت مردم تا مرز حفظ تمامیت ارضی و شما تا آنجا قبول می‌کنید.
ج: یعنی من فکر می‌کنم که هیچ ایرانی نیست که بخواهد مسئله‌ی حاکمیت مردم را در گروا زین رفتن ایران، منظور که می‌شناسیمش قرار دهد. . .

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: آیا در دولت آینده که مجاهدین قول آن را می‌دهند، جایی برای فعالیت آزادانه نیروهای سیاسی مخالف وجود دارد؟
ج: در اسناد شورای ملی مقاومت این به صراحت روشن شده که مخالفت با شورای ملی مقاومت و با تمام دستگاههایی که برای یک دوره موقت سرکار می‌آورد، تا مرز قیام مسلحانه و جنگ آزاد است.

س: علاوه بر طرفداران شاه و خمینی، آقای ابریشم چی یک تبصره هم گذاشتند و گفتند کسانی که بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ با خمینی بوده‌اند. ما امروز نیروهای مشخصی در جامعه داریم که این‌ها در شورای ملی مقاومت نیستند.
ج: و مخالف هم هستند با شورای ملی مقاومت. . .

س: همه با شورای ملی مقاومت مخالف نیستند، با برخی از سیاستهای آن مخالفند. . .
ج: خیلی مخالفند. حتی بعضی از آن‌ها شورای ملی مقاومت را به خیانت متهم می‌کنند.

س: طیف مختلفی هستند مثلاً نیروهای اقلیت و یا چپ افراطی ولی نیروهای مثل اکثریت نه.
ج: شما به طور مشخص می‌خواهید از من چه در بیاورید؟ ما با هر کدام از این‌ها یک مسائل خاصی داریم. هنوز حزب دموکرات می‌گوید که ما بیرون کتیک هستیم که آقای قاسملو برای ما تعیین کرده، یعنی مذاکره رادنیال می‌کنیم. برای ما پذیرفتنی نیست. اما دشمنی با حزب دموکرات نداریم. حزب دموکرات متحد ما بود، از خدا می‌خواهیم که با هم متحد ما باشد. منتها شرط دارد. نه با هر شرطی.

س: هر اتحادی شرایطی از دو جانب داد. ولی شما این نیروها را دشمن خودتان نمی‌دانید. . .
ج: اینها خودشان خود را در

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

س: شما جمهوری خواهان و مشروطه خواهان را برای یک

همبستگی ملی با هم در تضاد نمی‌بینید؟
ج: ایداً. فرض کنید که شما یک جمهوری خواه و من یک مونا رژیست. خوب اگر قرار باشد در رابطه با این بحث و این لباس سیاسی تصمیم گرفته شود مدعوبین و متحدین چه کسانی هستند؟ مگر مردم ایران نیستند؟ خوب مردم ایران که الان نیستند که بتوانند برای خودشان را صادر کنند.

س: درست است. ولی این استدلال هم هست که مردم یک بار رای دادند یعنی بعد از انقلاب رفرا ندوم شد.

ج: هیچکس نباید این ادعا را داشته باشد که آخرین رأی که مردم داده‌اند تا ابدیت باید ادامه

داشته باشد. مهم اینست که آنچه هست آیا مورد قبول مردم هست یا نه؟

اگر تئوریک صحبت کنیم در عمل نوع نظام آنقدر مطرح نیست که نحوه‌ی اجرای کارش مطرح است. نوع نظام برمی‌گردد به جنبه‌ی تاریخی، جنبه‌ی عاطفی، جنبه‌ی احساسی، جنبه‌ی فرهنگی.

بهترین راه این است که چه جمهوری خواه باشیم و چه سلطنت طلب مسئله را ماکول کنیم به آنچه که در زمان خودش باید تعیین شود و الا به عنوان یک جمهوری خواه یا سلطنت طلب، چپ یا راست، اگر بخواهیم تا ابد این بحث را ادامه دهیم به اصل موضوع نپرداخته ایم.

س: در انتخاب خانم رجوی به ریاست جمهوری ایران، تنها شورای ملی مقاومت تصمیم گرفته و دیگر نیروهای سیاسی که تصمیم گیرنده نبودند، چطور می‌شود از آنها خواست در این تظاهرات با این شعار بیایند؟

ج: امکان مراجعه به آرا عمومی وجود ندارد. اگر امکان مراجعه به آرای عمومی وجود داشت، طبیعاً اساساً شورا نباید تشکیل می‌شد. یک کار انحرافی بود. . . در مدت کوتاهی که شورا برای انتقال قدرت به مردم تعیین کرده که مدت آن ۶ ماه است، کار خودش را انجام می‌دهد و پس از آن با انتخابات عمومی، دموکراتیک و همگانی، قدرت را به مردم منتقل می‌کند.

گزارشگر با اشاره به صحبت‌های دوتن از اعضای مجاهدین که به دیگران اجازه فعالیت نخواهیم داد می‌پرسد: آیا شما بطور مشخص دیگر نیروها را که در شورا نیستند، در انتخابات شرکت خواهید داد؟
ج: من نمی‌دانم دوستان چه گفته‌اند.

س: آن زافر اموش کنیم. نظر خودتان چیست؟
ج: همه نیروهای سیاسی -بجز طرفداران ولایت فقیه و دستگاه شاه سابق می‌توانند در انتخابات مجلس مرسسان و قانونگذاری شرکت کنند.

گزارشگر سپس در مورد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌پرسد:
ج: در مورد جریان اکثریت، مشکل این نیست که ما بخواهیم یا نخواهیم (رابطه با آنها) مشکل در خط مشی آنهاست. چون آنها اساساً به سرنگونی این رژیم اعتقاد ندارند، در برنامه‌اشان هم از سرنگونی این رژیم حرف نمی‌زنند حتی مدتی از بازگشت و از انتخابات آزاد صحبت می‌کردند.

س: شما فکر می‌کنید سازمان اکثریت نمی‌خواهد که این رژیم جمهوری اسلامی عوض شود؟

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

س: این یک مساله جدی و عمیق است. تا نهاد های دموکراتیک به وجود نیاید، دموکراسی نمی‌تواند پا بگیرد. ولی این تقصیر شورای ملی مقاومت نیست که نهاد پانگرفته.

مهدی سامع:

ما طرفدار همبستگی و آشتی ملی ایم

ج: این در برنامه‌اش نیست که این رژیم را سرنگون کند. خواستار تغییراتی در به اصلاح ساختار این رژیم است.

س: یعنی شما از برنامه اکثریت این را برداشت کرده‌اید؟
ج: من این را صریحاً در برنامه‌اش می‌بینم که سرنگونی رژیم را اساساً یک چیز انحرافی می‌بیند.

س: شاید مقداری سوء تفاهم ایجاد شده. من وقتی روزنامه کارا می‌خوانم یا وقتی با دوستان اکثریتی صحبت می‌کنم می‌بینم آنها خیلی مصرند که این رژیم عوض شود.

ج: اینکه آنها می‌گویند باید یک رژیم غیر ولایت فقیه بیاید این را حرفی ندارم. (اما) در برنامه، حتی در آخرین نشست اکثریت هم تصریح دارد به اینکه ما مدافع سرنگونی این رژیم نیستیم.

س: آیا فقط دیگر نیروها هستند که باید ترمش داشته باشند؟
ج: این نیروهای دیگر بوده‌اند که از اول تشکیل شورای ملی مقاومت آن را مورد حمله قرار داده‌اند. بطور مثال همان اکثریت که گفتید. در یک دورانی، مارک زدن‌ها و حملات بسیار زیادی روی شورای ملی مقاومت داشت. حتی بطور صریح بعد از شهادت شهید موسی خیابانی گفت: این انقلاب است که زیر باهای خودش نیروهای ضد انقلاب را خرد می‌کند. ما ابتدا مدافع این بودیم که تهاجم سیاسی بهم نداشتیم. ولی دیگران شروع کردند در دوره‌ای ما جواب دادیم. پس از این تحولات اخیر شورا هم آقای ابریشم چی اعلام کرد که از یک همبستگی ملی و یک آشتی ملی حمایت می‌کنیم. . . این یک پیامی است برای دیگران که به جای اینکه انرژی شان را روی ما بگذارند، انرژی را بگذارند روی سرنگونی این رژیم. . . نمی‌گویم انتقاد نکنند، ولی اینگونه فشار روی ما -بخصوص در این جنبه که اکیسون‌های ما را خنثی بکنند- نیاروند. من فکر می‌کنم این می‌تواند پیام برای آنها باشد.

کمک‌های مالی

شهر نورنبرگ آلمان

تشدید درگیری های خونین در افغانستان



غرب کابل پایتخت ویران شده ی افغانستان در هفته های اخیر باردیگر شاهد شدیدترین نبردهای گروه های متخاصم بود. نیروهای متحد گلبدین حکمتیار نخست وزیر و دوستم ژنرال ازبک با سلاح سنگین در سطح گسترده به غرب کابل حمله کرده و مواضع سوق الجیشی مهمی را در شمال کابل که عمده ترین راه آذوقه رسانی به این شهر است، تصرف کردند. در این پیکارها حدود ۲۰۰ نفر کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند که عمدتاً افراد غیر نظامی بودند.

گروه های ای مردم خسته از جنگ کابل که صدها هزار سکنه دارد، بر بام خانه هایشان اجتماع کردند و با دادن شعارهای اعتراضی، طرفهای درگیر را به ترک مواضع

فراخواندند. عدم کناره گیری ربانی رئیس جمهور موقت افغانستان در پایان دوره مقرر مورد توافق مجاهدین افغانستان، عمده ترین دلیل و بهانه تشدید جنگ در هفته های اخیر است.

تلاش های صلح طلبانه تعدادی از صاحب نفوذ آن اقبالی چون اسماعیل خان از فرماندهان مجاهدین و مرد قدرتمند استان هرات و همچنین مستیری رئیس تونسی هیئت ویژه سازمان ملل برای امور افغانستان که به ارائه طرحی موسوم به او انجامید، تاکنون نمری در بر نداشته است.

بر اساس طرح مستیری حکومت فعلی کناره رفته و یک دولت موقت به ریاست دکتر نجیب الله رئیس جمهور سابق افغانستان برای مدت یکسال

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

آفریقای جنوبی:

اختلاف بین رئیس قبیله زولو و رهبر اینکاتا

زوه لیتینی رئیس قبیله زولو که حزب راستی اینکاتا به رهبری بوته له زی وزیر کشور کابینه ماند لا تا کنون نفوذ خود را مدیون اتحاد با او بود، اعلام کرد که کلیه روابط خود را با اینکاتا قطع کرده است. بروز اختلاف بین زوه لیتینی و بوته له زی با نزدیک شدن مواضع رئیس قبیله زولو به کنگره ملی آفریقا به رهبری نلسون ماند لا همراه بوده است. دوشنبه هفته گذشته، ماند لا که برای مذاکره با بوته له زی رئیس قبیله زولو به منطقه نفوذ این قبیله رفته بود، مورد اعتراض طرفداران اینکاتا قرار گرفت که با سنگ به هلی کوپتر رئیس جمهور آفریقای جنوبی حمله کردند.

روسیه: سالگرد کودتای یلتسین

اپوزیسیون روسیه در مراسمی که به مناسبت نخستین سالگرد کودتای یلتسین رئیس جمهور این کشور علیه شورای عالی، پارلمان سابق روسیه برگزار شد، خواهان استعفای دولت چرنومیردین نخست وزیر و برگزاری انتخابات پیش هنگام ریاست جمهوری شد. نخستین گردهمایی به مناسبت سالگرد درگیری های همراه سال گذشته، در کالینین گراد برگزار شد. در این گردهمایی، از جمله روسکری معاون برکنار شده یلتسین و زیوگائف رهبر حزب کمونیست روسیه شرکت داشتند. نیروهای اپوزیسیون اعلام کرده اند که قصد دارند کاندیدای مشترکی برای احراز سمت ریاست جمهور تعیین کنند و یک دولت سایه تشکیل دهند.

انتقاد نخست وزیر ایرلند از لندن

رینولدز نخست وزیر ایرلند جنوبی از موضع محتاطانه دولت بریتانیا در قبال اعلام آتش بس یکجانبه از سوی ارتش جمهوریخواه ایرلند شمالی، انتقاد کرد. وی گفت خود داری لندن از به رسمیت شناختن آتش بس، به گروه های تروریستی پروتستان امکان ادامه عملیات قهرآمیز را می دهد. دولت جان میجر نخست وزیر بریتانیا بدین بهانه از پذیرش آتش بس خودداری می کند که در بیانیه ارتش جمهوریخواه، واژه دائمی نیامده است.

هند به کشمیر خود مختاری می دهد

یکی از مقامات دولت هند اعلام کرد این کشور قصد دارد به ایالت مسلمان نشین کشمیر واقع در شمال هند، اختیارات محلی بیشتری بدهد. بدین منظور قرار است در هفته جاری مذاکراتی بین دلی نو و فاروق عبداللہ نخست وزیر سابق جامو و کشمیر صورت گیرد. دولت هند بر آن است که عبداللہ می تواند در حال بحران ۵۰ ساله کشمیر نقش مؤثری ایفا کند. دولت هند کماکان پاکستان را متهم می کند که به شورشیان کشمیر اسلحه می دهد.

سوریه: اسرائیل باید از جولان عقب بنشیند

فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه در آستانه تلاش جدید آمریکا برای میانجی گری میان سوریه و اسرائیل، خواهان عقب نشینی کامل اسرائیل از بلندی های جولان شد. الشرع که در حاشیه دیداری با حسن مبارک رئیس جمهور مصر در بندر اسکندریه این کشور سخن می گفت، اظهار داشت که اسرائیل باید متعهد به تخلیه کامل جولان شود. لبنان نیز موضعی مشابه سوریه دارد و خواستار عقب نشینی کامل اشغالگران اسرائیلی از جنوب لبنان است.

عدم توافق

پیرامون افزایش اعضای دائمی شورای امنیت

کمیته ای که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مأمور تهیه طرحی برای افزایش شمار اعضای دائمی شورای امنیت، ارگان اصلی تصمیم گیری این سازمان شده بود، نتوانست به توافق برسد و در نتیجه، مجمع عمومی مدت مأموریت این کمیته را تمدید کرد. اعضای دائمی فعلی عبارتند از آمریکا، روسیه، فرانسه، بریتانیا و چین. چند کشور در حال توسعه و نیز آلمان و ژاپن خواستار پیوستن به جرگه اعضای دائمی شورای امنیت شده اند. نظریه اختلافات گسترده بین اعضای سازمان ملل، به نظر نمی رسد گسترش شورای امنیت که مستلزم تغییر منشور سازمان ملل است، در آینده نزدیک عملی شود.

کانادا: پیروزی جدائی خواهان "کبک"

در انتخابات پارلمان ایالتی کبک، منطقه فرانسوی زبان کانادا، جدایی خواهان به رهبری ژاک پاریزوبه اکثریت دست یافتند. پاریزوبس از انتخابات اعلام کرد برای دومین بار از آغاز دهه هشتاد، استقلال کبک را به رأی عمومی خواهد گذاشت. در نخستین همه پرسی، مردم کبک به استقلال این ایالت رأی ندادند.

قتل یک پلیس فلسطینی به دست افراد حماس

روزیکشنبه ۲۷ شهریور، یک مأمور پلیس فلسطینی در یک درگیری با افراد گروه بنیاد گرای حماس به قتل رسید. در این درگیری که در نوار غزه روی داد، دو تن از اعضای حماس مجروح شدند. این نخستین بار است که در زد و خورد بین مأموران دولت خود مختار فلسطین و بنیاد گرایان، یک پلیس جان خود را از دست می دهد. حماس مدعی است که فرد مقتول، توسط همقطاران خود هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده است.

قدرت را در دست می گیرد. گروه های مسلح از کابل خارج می شوند و ارتش و پلیس ملتی تشکیل می شود و حکومت موقت را برپا می دهد و تکنوکرات ها بجای والیان فعلی در مناطق مختلف حاکم شده و برگزاری انتخابات عمومی را تدارک می بیند. این طرح از جانب سازمان ملل در مدت نسبتاً کوتاهی پس از برکناری دکتر نجیب و از آن رو ارائه شده است که محبوبیت وی در میان مردم پس از روی کار آمدن

مجاهدین بر اثر مقایسه دوران دو حکومت توسط آنان بالا رفته است و امکان آنکه وی بتواند در حل مناقشه افغانستان نقشی بسزا ایفا کند را فراهم کرده است. اما نظریه سابقه ای گروه های فدایت طلب در گریز جنگ داخلی این کشور بعید بنظر می رسد که در آینده ی نزدیک و قابل پیش بینی و در موقعیت فعلی هیچیک از این گروه ها آمادگی تحویل قدرت به منظور خاتمه منازعه را داشته باشند.

کارل پوپر درگذشت



کارل پوپر فیلسوف اتریشی که با کتاب معروف خود به نام "جامعه باز و دشمنان آن" به یکی از تئوریسین های اصلی لیبرالیسم در مواجهه با توتالیترسم تبدیل شد، در سن ۹۲ سالگی در لندن درگذشت. پوپر در سال ۱۹۰۲ در یک خانواده یهودی تبار در وین متولد شد و از ۱۹۴۵ بدین سو در لندن زندگی می کرد. در ابتدای نوجوانی مارکسیست بود، در جوانی گرایش سوسیالیستی داشت و از ۳۰ سالگی به بعد نظریه پردازی شد. ضد مارکسیست و ضد سوسیالیست. وی به عنوان بنیانگذار مکتب "عقل گرایی انتقادی" شناخته شده است. او به علت یهودی بودنش در سال ۱۹۳۷، یک سال قبل از الحاق اتریش به آلمان نازی، اتریش را ترک کرد و به نیوزیلند رفت. پوپر که در اتریش دکترای فلسفه گرفته بود، در دانشگاه کریست چرچ نیوزیلند و از سال ۱۹۴۹ در مدرسه عالی اقتصاد لندن به تدریس پرداخت. در لندن، پوپر کرسی استادی منطق و اسلوب شناسی را تا سال ۱۹۸۹ بر عهده داشت. در این عرصه، اثر اصلی او به نام "منطق تحقیق" دارای شهرت بسیاری است. پوپر بر خلاف مارکس و هگل تا کید می کند که هر نظریه پرداز مسایل اجتماعی باید خود نظریه خود را بر اساس حکم خود تدوین و در همان زمان آن را مورد انتقاد قرار دهد تا از نقاط ضعف آن آشکار گردد. پوپر طرفدار سقراط بود که می گفت یک سیاستگر باید بیش از دیگران به نادانی اش آگاه باشد. او می گفت مارکسیست ها، برخلاف مارکس و انگلس می پندارند که بسیار می دانند.

پوپر در سال ۱۹۶۵ از سوی ملکه انگلیس لقب "سر" گرفت. نظرات پوپر در سالهای اخیر مورد استقبال رهبران محافظه کاری نوین از جمله بوش و تاچر قرار گرفت.

چپ هادر انتخابات سوئد پیروز شدند

یکی از مشکلات اساسی دولت جدید بدیهی کلان آن است که رقمی نجومی معادل هزار و یکصد میلیارد کرون می باشد. حزب سوسیال دمکرات در برنامه انتخابات خود اعلام کرده بود که در نظر دارد بیش از ۶۱ میلیارد کرون از بدیهی های دولت را از طریق صرفه جویی تامین کند. این صرفه جویی در وهله اول باعث کاهش استاندارد زندگی و بدتر شدن بیمه های اجتماعی خواهد گردید.

آنها همچنین اعلام کرده اند که مبارزه علیه بیکاری را سرلوحه برنامه خود قرار خواهند داد. دیگر مسئله جدی که سوئد در پیش رو دارد عضویت در اتحادیه اروپاست. در رابطه با این امر فراندومی در تاریخ ۱۳ نوامبر امسال برگزار می گردد که وضعیت سوئد را در رابطه با اتحادیه اروپا مشخص خواهد کرد. از مدتها پیش بحث پیرامون این امر آغاز گشته است. از اجزای که در پارلمان حضور دارند بدجز حزب چپ و حزب محیط زیست دیگر احزاب همه موافق عضویت در اتحادیه اروپا می باشند. در بدنه احزاب و افکار عمومی این فاصله بیشتر بوده و تقریباً تعداد مخالفین و موافقین مساوی هم می باشند.

به موفقیت نسبتاً بزرگی دست یافته و ۱۸ کرسی پارلمان را از آن خود کرد. در پی انتخابات اینگوار کارلسون رهبر حزب سوسیال دمکرات مأموریت تشکیل کابینه جدید را عهده دار شد. وی تصمیم گرفت که دولت جدید را فقط از اعضای حزب خود تشکیل دهد و این در حالیکه که احزاب چپ و لیبرال مردم آمادگی خود را برای تشکیل یک دولت ائتلافی اعلام کرده بودند. رهبر سوسیال دمکراتها دلیل خود برای تشکیل دولت اقلیت را چنین اعلام کرد که یک دولت اقلیت از محدودیت کمتری نسبت به یک دولت ائتلافی برخوردار است. انتظار آن می رود که سوسیال دمکراتها بتوانند با حمایت احزاب گوناگون از هر سه بلوک چپ و راست طرح های خود را در زمینه های گوناگون به تصویب پارلمان برسانند. لازم به تذکر است که سوئد در بحران اقتصادی عمیقی بسر می برد.

در دوره گذشته حکومت راستگراها تغییراتی جدی در سیستم و مدل دولتی سوئد ایجاد کرد. یکی از نتایج این تغییرات پائین آمدن قدرت خرید مردم و افزایش بیکاری و گذشتن آن از مرز ۱۰/۰ بوده است.

در انتخابات پارلمان و شوراهای استان و شهرهای سوئد که در تاریخ ۱۸ سپتامبر برگزار گردید حزب سوسیال دمکرات کارگری با کسب بیش از ۴۵٪ آراء به موفقیت چشمگیری دست یافت. حزب چپ نیز موفقیت آمیزترین انتخابات ۲ دهه اخیر را انجام داد و با افزایش آراء خود به میزان ۱/۶٪، صاحب ۶/۱٪ آراء شد.

ائتلاف چهارگانه احزاب راستگرا و لیبرال که دوره قبل حکومت را در دست داشتند در این انتخابات با شکست روبرو گشته و نتوانستند مجموعاً بیش از ۴۱٪ آراء را به خود اختصاص دهند. حزب ماورا راست دمکراسی نوین که به سیاست پناهنده ستیزی خود شناخته شده است دوره قبل پس از مدت کوتاهی که از تشکیل آن می گذشت وارد پارلمان شد ولی در این دوره با از دست دادن ۵/۵٪ آراء خود نتوانست به حد نصاب ۴٪ برای ورود به پارلمان دست یابد. حزب محیط زیست (سبزها) که پس از موفقیت خود در سال ۸۸ وارد پارلمان سوئد شد ولی نتوانست این موفقیت را در انتخابات گذشته تکرار کند، در این دوره برای دومین بار با کسب ۵٪ آراء

اگر در سطح فقها و صاحب نظران رژیم ویا در میان عقب ماندترین اقشار جامعه حرف مترقیانه و نوری تلقی شود، در مقیاس اجتماعی از تاخیر تاریخی ذهن گوینده آن حکایت می کند.

بخش عمده مصاحبه کیهان هوایی با آیت الله جناتی صرف صدور احکام و فرضیاتی شده که دخالت در پیشروان خود ارائه دهد و روحی نودر احکام شرع بدمد، لیکن در این عرصه نیز تنها حکم تأییدی بر آن گرایشها و باورهای در جامعه می گذارد که از دهه ها پیش امری جا افتاده و تثبیت شده اند. در واقع اینکه امروز فقیهی از جنس نبودن "کفار، ملحدین و کمونیست ها" سخن بگوید و یا تلویحات تک خوانی آواز آسوی زنان را مجاز اعلام کند

... که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند

ادامه از صفحه ۶

مشکل آنجاست که آقای جناتی و کل رژیم هنوز در نیافته اند که از دخالت در نیای های روحی و عاطفی و ذوقیات هنری و موسیقایی مردم پاسب کنند و با احکام جزمی و قرون وسطایی خویش جامعه را در انتخاب خود با مرز و محدودیت مواجه ن سازند. جناتی گرچه با برخی از حرفها و احکام خویش سعی می کند چهره ای پیشروان خود ارائه دهد و روحی نودر احکام شرع بدمد، لیکن در این عرصه نیز تنها حکم تأییدی بر آن گرایشها و باورهای در جامعه می گذارد که از دهه ها پیش امری جا افتاده و تثبیت شده اند. در واقع اینکه امروز فقیهی از جنس نبودن "کفار، ملحدین و کمونیست ها" سخن بگوید و یا تلویحات تک خوانی آواز آسوی زنان را مجاز اعلام کند

تاجیکستان: توافق برای برقراری آتش بس

رهبران جبهه نجات اسلامی الجزایر آزاد شدند

خود، از جمله هسانی صدر این جبهه است. روز سه شنبه ۲۹ شهریور، زروال رئیس جمهور الجزایر برای چندمین بار ظرف هفته های اخیر با نمایندگان پنج حزب اپوزیسیون درباره آینده کشور گفتگو کرد. به گزارش رادیوی الجزایر، در این دوران مذاکرات نیز مانند دورهای قبل، نه جبهه نجات اسلامی حضور داشت و نه سه حزب مخالف آن. با این حال به نوشته مطبوعات دولتی الجزایر، دور جدید گفتگوها در فضای کاملاً متفاوت با دفعات پیش برگزار می شود. اشاره این مطبوعات، به شرایط پیش آمده در پی آزادی رهبران جبهه نجات از زندان است. یکی از رهبران آزاد شده جبهه نجات دوشنبه هفته گذشته گفت این جبهه تحت شرایطی حاضر به نشان دادن انعطاف در برابر دولت است، اما تاکنون بین دو طرف توافقی حاصل نشده است.

عباسی مدنی و علی بن حاج رهبران جبهه نجات اسلامی الجزایر از زندان آزاد شدند. آزادی رهبران این جبهه، از شرایط بنیاد گرایان برای شرکت در مذاکرات صلح با دولت بود. علیرغم آزادی رئیس جبهه نجات و معاون او، این جبهه اعلام کرد که قصد شرکت در گفتگوهایی که هفته گذشته در الجزیره میان دولت و اپوزیسیون آغاز شد، ندارد. سخنگوی جبهه نجات اعلام کرد این تصمیم پس از مشورت با دور رهبر آزاد شده از زندان اتخاذ شده است. جبهه نجات می گوید پیش از پیوستن به گفتگوها با دولت، باید اعضای رهبری این جبهه که تاکنون بخشی از آنها در زندان بوده اند، گرد هم آیند. به نوشته روزنامه مستقل الجزایری "آزادی" قرار است این گروه همایی به زودی در الجزیره تشکیل شود. جبهه نجات خواستار آزادی همه رهبران

جنگ داخلی تاجیکستان به مبارزه قدرت بین رحمان اف رئیس جمهور این کشور و بنیاد گرایان اسلامی باز می گردد. شورشیان بنیادگرا، از خاک افغانستان علیه دولت دوشنبه می جنگند و برخی مناطق تاجیکستان را تحت کنترل خود در آورده اند. در پاسداری از مرزهای مشترک تاجیکستان و افغانستان، ارتش روسیه به دولت دوشنبه کمک می کند و بارها با شورشیان بنیادگرای تاجیکستان درگیر شده است. این نیروها پس از شکست دو سال پیش خود در جنگ قدرت، همراه با ده ها هزار نفر غیرنظامی به افغانستان گریختند و از آنجا دست به حملات علیه خاک تاجیکستان زدند. در تاجیکستان ۲۵ هزار نفر از افراد ارتش روسیه مستقرند. جبهه نجات خواستار آزادی همه رهبران

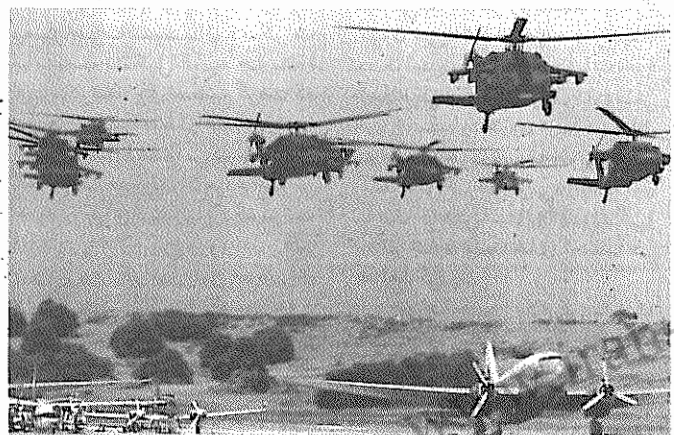
برقراری آتش بس، آزادی زندانیان و اسرا، آزادی احزاب و مطبوعات و برگزاری انتخابات محورهای توافق طرفین است

است. دور سوم گفتگوها اوایل مهرماه در اسلام آباد پاکستان دنبال خواهد شد. گفته می شود در اجلاس اسلام آباد گفتگوها بر سر مسائل عملی و جدول زمان بندی اجرای توافق های بدست آمده میان طرفین دور خواهد زد. رهبر مخالفان بنیادگرای تاجیکستان نسبت به نتایج مذاکرات تهران ابراز خوش بینی کرده است. نماینده سازمان ملل در مذاکرات تهران، این گفتگوها را "گامی اساسی

با میانجی گری سازمان ملل، دولت تاجیکستان و اپوزیسیون رادیکال اسلامی این کشور در مورد برقراری یک آتش بس موقت به توافق رسیدند. هفته گذشته در تهران نمایندگان دو طرف پس از پنج ماه مذاکره، موافقت نامه آتش بس را امضا کردند. موافقت نامه تهران پیش بینی می کند که حداکثر تا هشتم مهرماه، با ورود ناظران سازمان ملل به تاجیکستان، آتش بس برقرار شود. این آتش بس هم شامل داخل خاک تاجیکستان است و هم مرزهای این کشور با افغانستان را در بر می گیرد. مدت اعتبار توافق تهران، تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و فراندوم قانون اساسی در روز ۱۵ آبان خواهد بود. آزادی زندانیان و اسیران دو طرف، آزادی فعالیت احزاب و مطبوعات تا زمان برگزاری انتخابات از جمله توافقات تهران

بحران هائیتی بدون خونریزی پایان می یابد؟

سربازان آمریکایی در هائیتی مستقر شدند
آریستید، رئیس جمهور منتخب به قدرت بازمی گردد
کارت: بحران خلیج فارس نیز بدون جنگ قابل حل بود



مسیحی طرفدار مکتب موسوم به "الهیات رهایی بخش" است. این کشیش ها در آمریکای لاتین با نیروهای چپ همکاری دارند و معتقدند کلیسا باید حامی مقاومت مردم در برابر استثمار و سرکوب باشد. به دلیل همین مواضع، طرفداران الهیات رهایی بخش مورد غضب واتیکان قرار گرفته اند. در آمریکای نیویورک راهبانی شدت با شخصیت هایی مانند آریستید مخالفتند. اما دولت کلینتون به انگیزه های مختلف، برای بازگرداندن رئیس جمهور منتخب هائیتی به قدرت اقدام کرده است. این انگیزه ها را می توان چنین برشمرد:

می افزاید موافقت نامه آمریکا و رژیم هائیتی مقرر می دارد عفو عمومی توسط پارلمانی تصویب شود که نظامیان سرهم بندی کرده اند و مشروعیتی ندارد. علاوه بر این، ژنرال سدراس در نتیجه توافق اخیر، حکم فرماندهی را پیدا کرده است که می توان با او مذاکره کرد و کنار آمد، در حالی که تا همین چند روز پیش، سدراس از نظر دولت آمریکا یک جنایتکار بود.

آمریکایی گفت قانون اساسی هائیتی "تبعید را ممنوع کرده است. وی افزود خروجش از کشور، جزئی از موافقت نامه ای که با کارتر نماینده دولت آمریکا امضا کرده است نیست. سدراس قول داده همکاری با نیروهای آمریکایی ادامه دهد، جلوی درگیری های قهر آمیز ارتش و پلیس هائیتی با طرفداران آریستید را بگیرد و مورد تعیین شده برای استعفا را رعایت کند.

مداخله نظامی کردند، این بار دست به سازماندهی مخالفت با طرح های کلینتون برای مداخله در هائیتی زدند زیرا از نظر آنها، آریستید، رئیس جمهوری که با اقدام آمریکا به مستند قدرت در هائیتی بازمی گردد، متحد کمونیست ها و عامل بی ثباتی در این کشور منطقه کارائیب است. رئیس جمهور آمریکا، بلافاصله پس از اعلام خبر توافق، از طریق تلویزیون نطقی خطاب به مردم آمریکا ایراد کرد و توافق پورت او بر سر را "خارق العاده" خواند. وی افزود این توافق، درخواست اصلی ایالات متحده یعنی "کناره گیری دیکتاتور ها" و "بازگشت دولت منتخب دموکراتیک را تحقق می بخشد. رئیس جمهور آمریکا گفت: "این، برای ایالات متحده و هائیتی توافق خوبی است. فرماندهان نظامی، کنار می روند. نیروهای مسلح ایالات متحده و متفقین، فرود آوار خواهند شد، در شرایطی که اگر چه خالی از ریسک نیست، اما با خطرات کمتری همراه است. کلینتون از سه نماینده خود به خاطر "تلاش خستگی ناپذیرشان" تشکر کرد.

نیروهای آمریکایی بر مبنای احترام متقابل همکاری نزدیکی خواهند داشت. در متن توافق مزبور، از آریستید نامی به میان نیامده است. ژنرال سدراس رئیس شورای نظامی هائیتی و ژنرال بیامبی فرمانده ارتش این کشور، موافقت نامه نامبرده را شامگاه روز یکشنبه ۲۷ شهریور، پس از ۱۶ ساعت مذاکرات فشرده با هیات آمریکایی در مقر خود امضا کردند. در این ساعات، دستور رئیس جمهور آمریکا برای شروع عملیات اشغال هائیتی در همان شب، صادر شده بود. دولت آمریکایی گوید همین که ژنرال های هائیتی از پرواز هواپیما های آمریکایی به سمت این جزیره خبردار شدند، تن به توافق دادند.

ادامه از صفحه ۱
نظامی این کشور، حامل نیروهای جترباز، از پایگاه های خود در ایالات متحده به مقصد هائیتی به پرواز درآمدند، و تنها پس از کسب اطلاع از آغاز عملیات بود که حاکمان هائیتی با نمایندگان واشنگتن به توافق رسیدند. قرار است در مجموع ۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای مسلح آمریکا، به اضافه واحدهایی از سایر کشورها، نخست مهم ترین نقاط استراتژیک (فرودگاه ها و مراکز فرماندهی) را در هائیتی تحت کنترل خود در آورند، به عنوان یک نیروی حائل بین طرفداران آریستید و حکومت نظامی عمل کنند و بالاخره با حداکثر سرعت از خود اهالی هائیتی، نیروهای انتظامی تربیت نمایند. بدین منظور در روز نخست عملیات ژنرال شلتن فرمانده نیروهای آمریکایی با سدراس رئیس شورای نظامی حاکم بر هائیتی دیدار کرد. قرار است محاصره اقتصادی بین المللی هائیتی که در ماه های اخیر، وضعیت نابسامان مردم فقیرترین کشور نیم کره غربی را وخیم تر نیز کرده است، بلافاصله لغو شود و جای خود را به کمک های اقتصادی بدهد.

اولاً به پایان دوره ریاست جمهوری آریستید مدت زمان زیادی باقی نمانده است و او بدون تردید در این مدت نخواهد توانست برنامه های اصلاحات اجتماعی را که در انتخابات وعده داده بود، اجرا کند. بیهوده نبوده است که واشنگتن اکنون، یعنی سه سال پس از وقوع کودتای هائیتی، آریستید را به این کشور بازمی گرداند.

انتقاد کارت از سیاست خارجی آمریکا
جیمی کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا که مذاکرات او در هائیتی به توافق دولت ایالات متحده با نظامیان حاکم بر هائیتی انجامید، از عملکرد کشورش در بحران های منطقه ای انتقاد کرد. وی گفت به عنوان نمونه، جنگ خلیج فارس اگر واشنگتن به شخصیت های مستقل اجازه میانجی گری می داد، اجتناب پذیر بود.

عدم گنجاندن خروج کودتاجیان از هائیتی، یکی از نقاط ضعف موافقت نامه آمریکا با آنهاست که مورد انتقاد طرفداران آریستید رئیس جمهور منتخب هائیتی قرار دارد. رئیس اتحادیه پناهندگان اهل هائیتی در آمریکا، طی مصاحبه ای به این نکته اشاره کرد که انگیزه دولت کلینتون برای توافق با رژیم نظامی هائیتی، نجات از محاصره ای بود که در سیاست داخلی آمریکا بدان دچار شده بود. طرفداران آریستید می گویند توافق آمریکا و سدراس، عفو نظامیان را که موافقت نامه سال گذشته آنها با سازمان ملل، تنها شامل فرماندهان بود، به کلیه افراد ارتش تعمیم داده است. علاوه بر این، برخلاف نص صریح قطعنامه ۹۴۰ شورای امنیت، محاصره اقتصادی هائیتی لغو شده است در حالی که شورای امنیت مقرر کرده بود این تحریم تا هنگام بازگشت آریستید ادامه یابد. رئیس اتحادیه پناهندگان هائیتی در آمریکا می گوید بدین ترتیب، اعتبار سازمان ملل لطمه می خورد و دیگر کسی نمی تواند باور کند که این سازمان، مستقل عمل می کند. وی

اما کارتر که صبح دوشنبه ۲۸ شهریور برای ادای گزارش به رئیس جمهور آمریکا به کاخ سفید رفت، روایت دیگری از ماجرا ارائه داد. وی گفت دریافت خبر شروع عملیات در حین گفتگوها، "برای ما و طرف مقابل امری بسیار نگران کننده بود". کارتر افزود که از قبل اطلاعی از صدور فرمان اعزام نخستین گروه مهاجمان نداشته است. کارتر و همراهانش پس از کلینتون، نمایندگان کنگره آمریکا را نیز در جریان نتایج مأموریت خود گذاشتند. با موفقیت مأموریت دیپلماتیک هیات کارت، بحثی که قرار بود در کنگره ایالات متحده پیرامون اختیارات جنگی رئیس جمهور صورت بگیرد، منتهی شد. احتمال اینکه نتایج این مباحثه برای کلینتون خطرناک باشد، وجود داشت. در آمریکا، پیش از توافق اخیر نظر خواهی ها حاکی از مخالفت ۶۰ درصد از مردم این کشور با درگیر شدن در هائیتی بود. جمهوریخواهان که در دوره زمامداری ریگان و بوش خود بارها در کشورهای خارجی

ژنرال سدراس: در هائیتی می مانم
ژنرال سدراس رئیس شورای نظامی حاکم بر هائیتی تاکید کرد علیرغم کناره گیری اش از قدرت تا ۲۳ مهرماه، پس از بازگشت آریستید رئیس جمهور منتخب این کشور نیز در هائیتی خواهد ماند. سدراس در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی

ثانیاً سرکوب شدید و فقر در هائیتی باعث شده است ده ها هزار نفر از مردم این کشور به آمریکا پناهنده شوند و واشنگتن می خواهد جلوی این سیل مهاجرت را بگیرد. این سیل مهاجرت را می توان از سوی آمریکا به بهانه "نقض دموکراسی سی ساله است که در محاصره اقتصادی است، نمی توان در همین منطقه به سادگی از کنار لگد مال کردن نتایج انتخابات آزاد ریاست جمهوری توسط ژنرال های هائیتی گذشت و باز هم ادعای پاسداری از دموکراسی را داشت.

کارتر علاوه بر بحران هائیتی، چندی پیش در اختلاف میان آمریکا و کره شمالی نیز دست به فعالیت دیپلماتیک زد و توانست راهی برای جلوگیری از افزایش تنشها بیابد. وی در بحران هائیتی نیز ابتداء به ابتکار خود وارد عمل شد و بعد از سوی واشنگتن مأموریت یافت دست به آخرین تلاش برای جلوگیری از آغاز جنگ بزند.

آریستید کیست؟
آریستید از گروه روحانیون

ثانیاً سرکوب شدید و فقر در هائیتی باعث شده است ده ها هزار نفر از مردم این کشور به آمریکا پناهنده شوند و واشنگتن می خواهد جلوی این سیل مهاجرت را بگیرد. این سیل مهاجرت را می توان از سوی آمریکا به بهانه "نقض دموکراسی سی ساله است که در محاصره اقتصادی است، نمی توان در همین منطقه به سادگی از کنار لگد مال کردن نتایج انتخابات آزاد ریاست جمهوری توسط ژنرال های هائیتی گذشت و باز هم ادعای پاسداری از دموکراسی را داشت.

نیروهای مسلح و پلیس هائیتی با